

بررسی و ارزیابی ساختار صنعت از منظر وابستگی واردات در کوتاه‌مدت و بلندمدت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل ۱۹۶۲۳
کد موضوعی: ۳۱۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۱۱/۲۳

عنوان گزارش:
بررسی و ارزیابی ساختار صنعت از منظر
وابستگی واردات در کوتاه‌مدت و بلندمدت

نام دفتر:
مطالعات انرژی، صنعت و معدن

تهیه و تدوین کنندگان:
سحر بشیری، حسن حیدری (گروه صنعت)

ناظران علمی:
حبیب‌اله ظفریان، سعید شجاعی

اظهار نظر کنندگان:
علی اژدری (مطالعات انرژی، صنعت و معدن)
محمد کیانی (مطالعات اقتصادی)

گرافیک و صفحه آرایی:
نفیسه حاجی صفری

ویراستار ادبی:
سیده مرضیه موسوی راد



واژه‌های کلیدی:
۱. صنعت
۲. وابستگی واردات

تاریخ شروع مطالعه:
۱۴۰۲/۳/۱



فهرست مطالب

| | |
|---|----|
| چکیده..... | ۶ |
| خلاصه مدیریتی..... | ۷ |
| ۱. مقدمه..... | ۹ |
| ۲. نگاهی به ادبیات و سابقه موضوع..... | ۱۰ |
| ۳. نقش واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در تولید و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران..... | ۱۱ |
| ۴. اندازه‌گیری وابستگی به واردات صنایع ایران با استفاده از جدول داده - ستانده..... | ۱۲ |
| ۵. بررسی میزان وابستگی کوتاه‌مدت و بلندمدت صنایع به واردات براساس آمار کارگاه‌های صنعتی..... | ۱۴ |
| ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری..... | ۲۸ |
| منابع و مأخذ..... | ۳۰ |

فهرست جداول

| | |
|--|----|
| جدول ۱. سهم نهاده‌های وارداتی از کل واردات کشور (درصد)..... | ۱۱ |
| جدول ۲. ضرایب هم‌بستگی بین واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای با رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری..... | ۱۲ |
| جدول ۳. روند سهم اقلام سرمایه‌ای وارداتی از کل واردات سرمایه‌ای بخش صنعت در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹..... | ۱۹ |
| جدول ۴. سهم ارزش اجزای خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی از کل خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی متوسط دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹..... | ۲۱ |
| جدول ۵. سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای در رشته‌فعالیت‌های منتخب در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹ و اجزای آن (درصد)..... | ۲۲ |

فهرست نمودار

| | |
|--|----|
| نمودار ۱. ارتباط بین واردات نهاده‌های تولید و رشد اقتصادی و رشد ارزش افزوده صنعت (درصد)..... | ۱۱ |
| نمودار ۲. نسبت واردات واسطه‌ای به ارزش تولیدات فعالیت‌های صنعتی براساس جدول داده - ستانده اقتصاد ایران (۱۳۹۵) (درصد)..... | ۱۳ |
| نمودار ۳. سهم ارزش مواد اولیه خارجی از کل مواد اولیه بخش صنعت در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹..... | ۱۴ |
| نمودار ۴. سهم ارزش مواد اولیه خارجی از کل مواد اولیه به تفکیک فعالیت‌های فعالیت صنعتی (سال ۱۳۹۹ در مقایسه با متوسط دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹)..... | ۱۵ |
| نمودار ۵. سهم ارزش مواد اولیه خارجی از ارزش افزوده محصولات صنعتی در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹..... | ۱۶ |
| نمودار ۶. سهم ارزش مواد اولیه خارجی از ارزش افزوده محصولات صنعتی (سال ۱۳۹۹ در مقایسه با متوسط دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹)..... | ۱۶ |
| نمودار ۷. سهم ارزش خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی از کل خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای بخش صنعت در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹..... | ۱۷ |
| نمودار ۸. سهم اجزای ارزش خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی از کل خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی بخش صنعت برای متوسط دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹..... | ۱۸ |
| نمودار ۹. روند سهم اجزای کل اموال سرمایه‌ای از کل واردات سرمایه‌ای دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹..... | ۱۸ |
| نمودار ۱۰. سهم ارزش خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی از کل خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای در رشته فعالیت‌های صنعتی (سال ۱۳۹۹ در مقایسه با متوسط دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹)..... | ۲۰ |



بررسی و ارزیابی ساختار صنعت از منظر وابستگی واردات در کوتاه‌مدت و بلندمدت

چکیده



هدف اصلی این پژوهش بررسی و ارزیابی ساختار صنعت از منظر وابستگی واردات در کوتاه‌مدت و بلندمدت در صنایع کارخانه‌ای ایران با استفاده از تحلیل جدول داده-ستانده و شاخص‌های آماری است.

نتایج این گزارش نشان می‌دهد نسبت ارزش مواد خام و اولیه خارجی از کل (داخلی و خارجی) دارای روندی نوسانی و به‌طور متوسط برای دوره تقریباً دو دهه گذشته ۱۳ درصد بوده است. بالاترین میزان سهم ارزش مواد اولیه وارداتی به کل مواد اولیه مصرف شده در جریان تولید، مربوط به فعالیت‌های «تولید فراورده‌های توتون و تنباکو»، «ساخت محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری»، «تعمیر و نصب ماشین‌آلات و تجهیزات»، «تولید سایر تجهیزات حمل‌ونقل»، «تولید داروها و فراورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی»، «تولید سایر مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر» و «تولید کاغذ و فراورده‌های کاغذی» است. در مقابل، کمترین میزان سهم ارزش مواد اولیه وارداتی به کل مواد اولیه مصرف شده در جریان تولید در «تولید کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت»، «تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی»، «تولید سایر فراورده‌های معدنی غیرفلزی»، «تولید فلزات پایه»، «تولید محصولات فلزی ساخته‌شده، به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات» قابل مشاهده است.

این تفاوت در بین صنایع نشان می‌دهد که عمده‌صنایعی که در بالادست زنجیره ارزش قرار دارند و تولید آنها نیازمند دسترسی به مواد معدنی، نفتی یا شیمیایی اولیه است، با توجه به ذخایر غنی معدنی و نفتی کشور، به نسبت ارزش تولیدات خود، وابستگی کمتری به واردات دارند و در مقابل صنایعی که در پایین دست زنجیره ارزش قرار دارند و محصولات نهایی تولید می‌کنند، وابستگی بیشتری به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای دارند. از سوی دیگر، این مسئله نشان می‌دهد که زنجیره ارزش در بخش صنعت ایران بین صنایع بالادستی و صنایع پایین دستی حلقه‌های تکمیل نشده قابل توجهی دارد که می‌تواند ناشی از مشکلات فنی و تکنولوژیکی، عدم دسترسی به مواد خام خاص، یا عدم صرفه اقتصادی تولید این محصولات میانی در داخل کشور باشد که خود نیازمند بررسی بیشتر و جداگانه‌ای است.

« خلاصه مدیریتی

بیان / شرح مسئله

بخش صنعت یکی از ارکان مهم اقتصاد ایران و تأثیرگذار در رشد اقتصادی با درجات مختلف به زنجیره جهانی ارزش محصولات وابسته است. یکی از وجوه این وابستگی، وابستگی به واردات نهاده‌های تولید، اعم از مواد اولیه، کالاهای سرمایه‌ای و سایر نهاده‌هاست. میزان وابستگی به واردات و نوع وابستگی به واردات در صنایع مختلف متفاوت است. از یک سو، آن دسته از صنایعی که سهم بالاتری از نهاده‌های واسطه‌ای و مواد اولیه مورد نیاز خود را از طریق واردات تأمین می‌کنند، در کوتاه مدت برای تولید به واردات نیازمند هستند و لذا حساسیت بالاتری به تغییرات در شرایط واردات (تغییرات نرخ ارز، اختلال در واردات، تغییر در نرخ‌های تعرفه واردات و تغییر در قیمت‌های جهانی) دارند. از سوی دیگر، آن دسته از صنایعی که عمده وابستگی آنها به واردات به دلیل وابستگی به تجهیزات، تأسیسات، ماشین‌آلات و فناوری است، اگرچه در کوتاه مدت ممکن است حساسیت بالایی به واردات نداشته باشند، اما در میان مدت و بلندمدت رشد و توسعه این صنایع به واردات فناوری حساس است. ممکن است یک صنعت از هر دو حیث به واردات وابسته باشد، یا تنها در یکی از این جنبه‌ها وابستگی بالایی به واردات داشته باشد. از این رو، بررسی و تمایز بین این دو وضعیت و شناخت زیربخش‌های صنعت از منظر وابستگی کوتاه مدت و بلندمدت برای سیاستگذاری اقتصادی و صنعتی اهمیت زیادی دارد. میزان وابستگی به واردات کوتاه مدت نشان‌دهنده وابستگی به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای است و میزان وابستگی به واردات بلندمدت را نیز می‌توان با وابستگی به واردات کالاهای سرمایه‌ای و تجهیزات نشان داد.

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

همواره در طی دهه‌های مختلف بخش بزرگی از واردات کشور را مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای (۶۳ درصد) و در رتبه بعدی کالاهای سرمایه‌ای (۲۲ درصد) تشکیل داده است، از این رو تولید و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران به‌طور عام و تولید صنعتی به‌صورت خاص وابستگی زیادی به این نوع از واردات دارد. بررسی‌های این گزارش نشان می‌دهد که وابستگی بخش صنعت به واردات از متوسط اقتصاد ایران بیشتر است.

بر اساس یافته‌های این گزارش، در بخش صنعت نیز میزان وابستگی تولید به واردات واسطه‌ای در میان بخش‌های مختلف صنعتی یکسان نیست. به‌طور مشخص، بالاترین میزان وابستگی به واردات، مربوط به فعالیت «تولید روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی» (بیش از ۳۹ درصد) و پس از آن «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر» (بیش از ۲۳ درصد) و «تولید سایر مصنوعات» (بیش از ۲۰ درصد) است. در رتبه‌های بعدی «تولید قالی و قالیچه» (نزدیک به ۱۹ درصد)، «تولید سایر فلزات اساسی و ریخته‌گری» (نزدیک به ۱۸ درصد) و «تولید فراورده‌های لاستیکی و پلاستیکی» (بیش از ۱۷ درصد) قرار می‌گیرند. در مقابل، کمترین میزان وابستگی به واردات واسطه‌ای برای تولید در «تولید فراورده‌های نفتی (پالایشگاه‌ها)» (۱/۲ درصد)، «تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی» (۳/۹ درصد)، «تولید محصولات اساسی مس و آلومینیوم» (۴/۸ درصد) و «تولید کانی‌های غیر فلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر» (۴/۹ درصد) قابل مشاهده است. از مشاهده و مقایسه میان این دو گروه می‌توان به این نتیجه کلی رسید که عمده صنایعی که در بالادست زنجیره ارزش قرار دارند و تولید آنها نیازمند دسترسی به مواد معدنی، نفتی یا شیمیایی اولیه است، با توجه به ذخایر غنی معدنی و نفتی کشور، به نسبت ارزش تولیدات خود وابستگی بسیار پایینی به واردات واسطه‌ای دارند. در مقابل، صنایعی که در پایین دست زنجیره ارزش قرار دارند و به مصرف‌کننده نهایی نزدیک‌تر هستند، مانند صنایع تولید روغن، صنایع خودرو و صنایع مشابه آنها وابستگی بیشتری به واردات محصولات واسطه‌ای دارند.



بررسی سهم ارزش مواد اولیه خارجی از ارزش افزوده محصولات صنعتی در کل دوره مذکور حاکی از آن است به طور متوسط این سهم برای بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۹ برابر ۲۷ درصد بوده است. این بدان معناست که برای تولید هر ۱۰۰ واحد ارزش افزوده نیاز به مصرف ۲۷ واحد از نهاده‌های خام خارجی وجود داشته است. روند این نسبت نیز نشان می‌دهد که در سال‌هایی که شوک‌های ارزی، تحریم‌های اقتصادی و بیماری کرونا وجود داشته، این نسبت کاهش یافته که نشانگر دسترسی کمتر به مواد اولیه وارداتی است. در واقع بررسی روند تحولات شاخص‌های مختلف وابستگی به واردات در این گزارش نشان داد که در سال‌هایی که شرایط سخت‌تری بر اقتصاد ایران حاکم بوده، دسترسی صنایع به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای نیز سخت‌تر بوده است. از این رو می‌توان گفت که یکی از دلایل کاهش رشد اقتصادی و رشد صنعتی در سال‌های مذکور، دسترسی کمتر به نهاده‌های مذکور برای تولید بوده است.

بررسی وضعیت صنایع مختلف از منظر میزان وابستگی به واردات بلندمدت، نسبت اموال سرمایه‌ای وارداتی به کل اموال سرمایه‌ای خریداری شده آنها با یکدیگر بیانگر آن است که بالاترین میزان وابستگی به واردات اموال سرمایه‌ای بر اساس متوسط دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۹، مربوط به فعالیت‌های «تولید منسوجات»، «تولید پوشاک»، «تولید مبلمان»، «تولید کاغذ و فراورده‌های کاغذی»، «تولید چوب و فراورده‌های چوبی» است که عمدتاً صنایعی هستند که محصول نهایی تولید می‌کنند و در پایین دست زنجیره ارزش قرار دارند. در مقابل، کمترین میزان وابستگی در «تولید کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت»، «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر»، «تعمیر و نصب ماشین‌آلات و تجهیزات»، «تولید داروها و فراورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی»، «تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی» و «تولید فلزات پایه» است که به غیر از صنعت خودرو، اکثراً در بالادست قرار دارند. این الگو با الگوی وابستگی به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای هماهنگ است و تأیید کننده عدم تکمیل حلقه‌های میانی در بین صنایع کشور و وابستگی بیشتر صنایع پایین دست به زنجیره جهانی ارزش است.

باید توجه کرد که وابستگی به واردات برای صنایع مختلف لزوماً به معنای یک نکته منفی نیست، بلکه درجات مختلف این وابستگی بازتاب‌دهنده ساختار متفاوت صنایع از یک سو و نیز گستردگی زنجیره ارزش در داخل یا تأمین نیازهای خاص صنایع به واردات مواد یا قطعات خاص است و این ساختار صرفاً نشان می‌دهد که حساسیت صنایع مختلف به شوک‌های وارده از سمت بازار جهانی، بازار ارز یا هر نوع اختلالی در واردات متفاوت است.

مقدمه

بخش صنعت یکی از ارکان مهم اقتصاد ایران و تأثیرگذار در رشد اقتصادی است. صنعت در ایران به طور کلی با درجات مختلف به زنجیره جهانی ارزش محصولات وابسته است. یکی از وجوه این وابستگی، وابستگی به واردات نهاده‌های تولید، اعم از مواد اولیه، کالاهای سرمایه‌ای و سایر نهاده‌هاست که تحت عنوان کلی ارزیابی قابل تعریف است. ارزیابی یا وابستگی به واردات با توجه به جنبه‌های مختلف، قابلیت بررسی دارد و همواره نرخ بالای وابستگی به واردات با موضوع خود کفایی در تولید در تعارض به نظر می‌آید، اما توسعه زنجیره ارزش جهانی، مسیرهای سرریز دانش و واردات تکنولوژی از جمله مسائلی است که وابستگی به واردات را توجیه‌پذیر می‌کند. در واقع، وابستگی به واردات می‌تواند از چند جنبه مورد بررسی قرار گیرد. از یک سو، واردات، به‌ویژه واردات کالاهای سرمایه‌ای می‌تواند مسیر انتقال فناوری برتر از بازار جهانی باشد که سبب افزایش بهره‌وری تولیدات داخلی و ارتقای کیفیت محصولات می‌شود و از سوی دیگر، نوسانات ارزی و اختلال در واردات می‌تواند تهدیدی برای صنایعی محسوب شود که وابستگی بیشتری به واردات، به‌ویژه واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای دارند که در جریان تولید روزمره خود به آن وابسته هستند. علاوه بر آن، وابستگی به واردات، به‌ویژه در زمینه کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه نشان می‌دهد که زنجیره ارزش یک محصول در بالادست خود تا چه میزان توسعه یافته است که البته دلایل آن می‌تواند طیفی از دلایل فنی (سطح بالای فناوری مورد نیاز (مثلاً کاتالیزورهای خاص مورد نیاز صنایع داروسازی))، دسترسی به منابع معدنی خاص (مثلاً نیاز به مواد نفتی در کشورهایی که منابع نفتی ندارند)) و عدم سرمایه‌گذاری کافی در بالادست یک صنعت و وجود حلقه‌های مفقوده مختلف (مثلاً عدم توسعه کافی صنایع معدنی) باشد. در هر صورت، شناخت صنعت از این منظر به‌ویژه در شرایط فعلی اهمیت زیادی دارد و لازم است ابعاد این موضوع در بخش صنعت ایران شناخته شود.

با توجه به این موضوع، هدف از این گزارش، بررسی چگونگی وضعیت صنایع کشور از منظر وابستگی به واردات برای رشته فعالیت‌های صنعتی مختلف در سطح کدهای دورقمی آیسیک (ISIC) و با توجه به جنبه‌های مختلف کوتاه‌مدت و بلندمدت آنهاست. در این گزارش، میزان وابستگی به واردات کوتاه‌مدت نشان‌دهنده وابستگی به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای است و میزان وابستگی به واردات بلندمدت را نیز می‌توان با وابستگی به واردات کالاهای سرمایه‌ای و تجهیزات نشان داد. تفاوت این دو نوع وابستگی به واردات در این است که در کوتاه‌مدت، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای از خارج از کشور تهیه می‌شوند که در فرایند کوتاه‌مدت تولید مصرف می‌شوند، اما در وابستگی به واردات بلندمدت، ارزیابی و مصرف ارز صنایع با هدف تولید، اما در یک افق طولانی و بلندمدت صورت می‌گیرد، به این صورت که سرمایه و فناوری که عمری طولانی دارند و در چرخه تولید در هر بازه زمانی کوتاه (مثلاً یک سال) تنها درصدی از آنها مستهلک می‌شود، از خارج وارد شده و در خط تولید صنایع کشور نصب شده و استفاده می‌شوند. یافته‌های این گزارش می‌تواند در ارائه تصویری از وضعیت وابستگی به واردات در صنایع کارخانه‌ای ایران برای برنامه‌ریزی صنعتی جهت افزایش تولید و بهره‌گیری کارآمدتر از آنها و سیاست‌گذاری مناسب در جهت واردات نهاده‌های تولیدی مورد نیاز صنایع کشور مفید واقع شود.

در بخش اول این گزارش نگاهی به ادبیات و سابقه موضوع شده است. در بخش‌های دوم و سوم به ترتیب نقش واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در تولید و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران و اندازه‌گیری وابستگی به واردات صنایع ایران با استفاده از جدول داده-ستانده آورده شده است. در قسمت چهارم میزان وابستگی کوتاه‌مدت و بلندمدت صنایع به واردات براساس آمار کارگاه‌های صنعتی بررسی شده و در نهایت در بخش آخر گزارش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری گزارش ارائه شده است.



۲. نگاهی به ادبیات و سابقه موضوع

در ادبیات اقتصادی وابستگی به واردات^۱ یا ارزی به مفهوم میزان وابستگی تولیدات داخل، به واردات است و نرخ وابستگی به واردات را به عنوان نسبت مواد خام وارداتی مصرف شده به ارزش تولید یک صنعت تعریف می‌کنند که به صورت درصدی بیان می‌شود [۱]. وابستگی به واردات از چند جنبه قابل بررسی است. از یک طرف نشان می‌دهد که صنایع داخلی ارتباطات پیشین بالایی با صنایع بالادست در سایر کشورها و به طور کلی بازار جهانی دارند و به عبارت دیگر بیانگر آن است که تا چه اندازه تولیدات یک کشور به تولیدات کشورهای دیگر و واردات وابسته است. هر چه نرخ وابستگی به واردات بیشتر باشد نشان‌دهنده آن است که سطح ارتباط با تولیدات در سایر کشورها بالاست. از سوی دیگر، این موضوع نشان می‌دهد که حلقه‌های مرتبط با تولید در یک صنعت تا چه میزان در داخل تکمیل شده‌اند و تا چه میزان زنجیره ارزش تولیدات صنعتی ناقص و تکامل نیافته است، البته توجه به این نکته ضروری است که نه از نظر فنی و تکنولوژیک و نه از منظر اقتصادی امکان‌پذیر و حتی منطقی نیست که کل زنجیره ارزش تولیدات یک محصول (مثلاً خودرو، فلزات اساسی، دارو و مواد شیمیایی پوشاک و امثال آن) در داخل تکمیل شود و ارتباط آن با بازار جهانی از سمت نهاده‌های مورد نیاز قطع شود. مطالعات صورت گرفته بر لزوم توجه به گسترش زنجیره جهانی ارزش و استفاده از مزیت‌های نسبی بر لزوم تجارت در زنجیره‌های ارزش جهانی با سطح عمیق تخصص مورد نیاز برای دستیابی به بهره‌وری بالا تأکید دارند [۲-۴]. مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی با ایجاد امکان استفاده از مزیت‌های نسبی سایرین و زنجیره‌ای از واحدهای تولیدی به هم پیوسته، ارزش افزوده ایجاد می‌کند. بنابراین، زنجیره‌های ارزش جهانی ساختارهای مهمی در فرایند تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی هستند که بر توسعه اقتصادی تأثیر گذار هستند. به هر حال اقتصاد ایران توان فنی لازم برای تکمیل همه زنجیره‌های ارزش در صنعت را ندارد و از سوی دیگر، از نظر اقتصادی نیز این امر منطقی نیست، چرا که هزینه تمام شده بسیاری از صنایع در این صورت افزایش بسیار زیادی می‌یابد، منابع طبیعی و معدنی و حتی انسانی لازم برای این کار به اندازه کافی نیست و سرمایه‌گذاری لازم برای تکمیل آن نیز بسیار بیشتر از توان اقتصاد ایران خواهد بود. نکته دیگر این است که این نوع واردات، به‌ویژه اگر نهاده‌های سرمایه‌ای و فناوری را شامل شوند، خود یکی از مسیرهای سرریز دانش به اقتصاد ایران هستند و از این رو نباید آنها را محدود کرد. امروزه همگام با افزایش ادغام تجاری کشورها و گسترش پراکندگی بین‌المللی تولید، زنجیره‌های جهانی ارزش ظرفیت‌های قابل توجهی از جمله بهبود جریان ورود دانش، روش‌ها و تکنولوژی‌های تولید پیشرفته‌تر، به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه داشته است [۴].

نکته دیگر، این است که وابستگی به واردات، به‌ویژه واردات مواد اولیه و کالاهای خام می‌تواند هزینه‌های تولید صنعت مورد نظر را به نوسانات نرخ ارز وابسته کند. از این منظر اهمیت بسیاری دارد که بین وابستگی به واردات در کوتاه‌مدت و بلندمدت تفکیک قائل شد. منظور از وابستگی کوتاه‌مدت، وابستگی به واردات مواد اولیه و خام است که در جریان روزمره تولید از آنها استفاده می‌شود، در حقیقت این نوع وابستگی نشان می‌دهد که تولید حتی در کوتاه‌مدت بدون واردات غیرممکن یا حداقل بسیار مشکل است. در مقابل، وابستگی بلندمدت عمدتاً ماشین‌آلات، تجهیزات و فناوری را شامل می‌شود که نشان می‌دهد که یک بنگاه یا یک صنعت از منظر تجهیزات، سرمایه و دانش که نهاده‌های بلندمدت هستند، به واردات وابسته است. از این منظر، ممکن است در کوتاه‌مدت یک صنعت نیاز زیادی به نهاده‌های وارداتی نداشته باشد، اما در بلندمدت، فناوری آن صنعت نیازمند واردات باشد. وابستگی به واردات بلندمدت با توجه به ورود نهاده‌های سرمایه‌ای، فناوری و تکنولوژی تولید از مسیرهای سرریز دانش در افزایش تولید، ایجاد ارزش افزوده و رشد اقتصادی مؤثر است.

مطالعات انجام شده در سایر کشورها نیز نشان می‌دهد که تولید در بسیاری از کشورها به واردات وابسته است. برای مثال، اونا^۲ [۵]، وابستگی واردات به کالاهای واسطه‌ای در صنایع اصلی تولیدی ترکیه را با استفاده از جدول داده-ستانده برای سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ بررسی کرد. یافته‌های ایشان نشان داد که صنعت رایانه، محصولات الکترونیکی و نوری و صنایع خودروسازی ترکیه وابستگی قابل توجهی به واردات کالاهای واسطه‌ای دارند. گوو و پلنتینگ^۳ [۶] از تجزیه و تحلیل جدول داده-ستانده برای تحقیق در مورد وابستگی واردات در ایالات متحده استفاده کردند و دریافتند که تولید در ایالات متحده بیشتر به کالاهای واسطه‌ای وارداتی وابسته است. همچنین مکولیچ و لورینسویچ^۴ [۷] در خصوص اقتصاد کرواسی دریافتند که بیشترین میزان واردات این کشور برای تولید صادراتی تقاضای می‌شود و صنایع با فناوری متوسط و پیشرفته این کشور بیشتر به واردات وابسته هستند.

1. Import Dependency.

2. Ünal

3. Guo and Planting.

4. Mikulic and Lovrinevic.

در خصوص اقتصاد ایران، مطالعات مرتبط نسبت به سایر حوزه‌های اقتصادی چندان گسترده نیست، باین حال می‌توان به مطالعه مهاجری و همکاران [۸]، اشاره کرد که میزان وابستگی به واردات واسطه‌ای را با استفاده از جدول داده-ستانده سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ محاسبه کرده است. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات بیشترین وابستگی به واردات واسطه‌ای از بعد مبدأ را داشته‌اند. با توجه به سوابق پژوهش در ایران تحقیقات زیادی در مطالعات پیشین به منظور ارائه تصویری روشن از وضعیت وابستگی به واردات در صنایع کارخانه‌ای ایران، به‌ویژه در سطح رشته فعالیت‌های صنعتی انجام نشده است و تحقیق حاضر بر آن است که از این منظر شکاف تحقیقاتی موجود را پر نماید و بتواند مبنایی برای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری صنعتی فراهم کند.

۳. نقش واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در تولید و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران

همواره در طی دهه‌های مختلف بخش بزرگی از واردات کشور را مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و در رتبه بعدی کالاهای سرمایه‌ای تشکیل داده است. طی دهه‌های ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰ شمسی، به‌طور متوسط بیش از ۶۳ درصد از واردات کشور را مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای تشکیل داده است. همچنین ۲۲ درصد از اقلام وارداتی مربوط به کالاهای سرمایه‌ای است. این مسئله نشان می‌دهد که به‌طور کلی تولید در اقتصاد ایران با واردات ارتباط بالایی دارد و عمده واردات در کشور با هدف تولید صورت می‌گیرد.

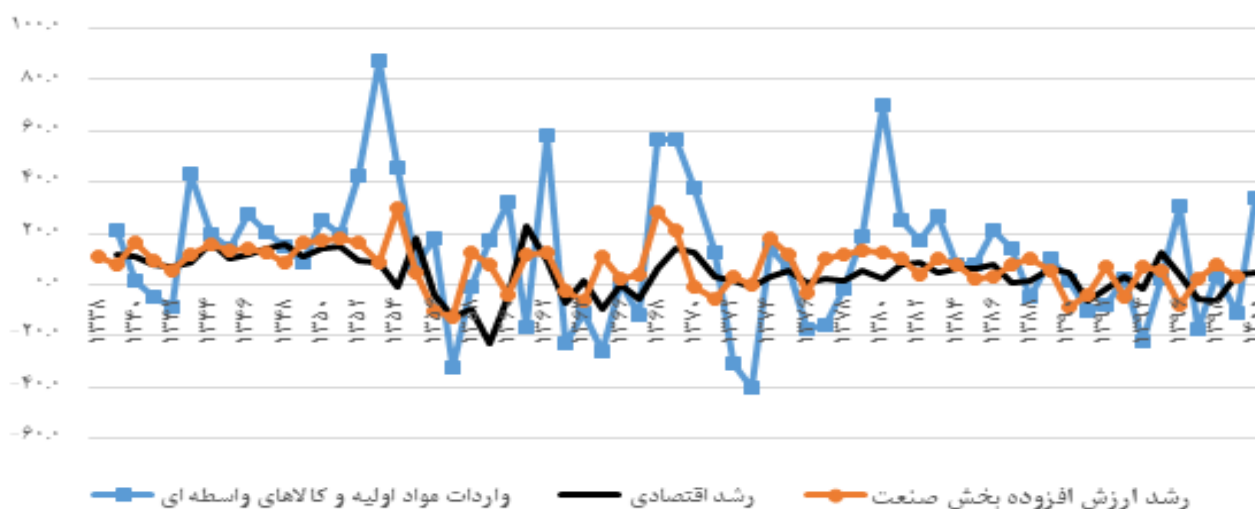
جدول ۱. سهم نهاده‌های وارداتی از کل واردات کشور (درصد)

| دوره زمانی | واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای | واردات کالاهای سرمایه‌ای |
|------------|--------------------------------------|--------------------------|
| ۱۳۷۹-۱۳۷۰ | ۵۷/۱ | ۲۹/۵ |
| ۱۳۸۹-۱۳۸۰ | ۶۶/۹ | ۱۹/۸ |
| ۱۴۰۰-۱۳۹۰ | ۶۵/۹ | ۱۷/۳ |
| متوسط دوره | ۶۳/۴ | ۲۲/۰ |

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی.

ارتباط و همبستگی مثبتی بین واردات نهاده‌های تولید و رشد اقتصادی و همچنین رشد ارزش افزوده بخش صنعت در ایران وجود دارد (نمودار ۱). همان‌طور که از بررسی اجمالی نمودار مشخص است، ارتباط بالایی بین رشد اقتصادی و رشد صنعتی و واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وجود دارد. این موضوع در ضرایب همبستگی مثبت بین انواع نهاده‌های وارداتی (مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و واردات کالاهای سرمایه‌ای) قابل مشاهده است (جدول ۲).

نمودار ۱. ارتباط بین واردات نهاده‌های تولید و رشد اقتصادی و رشد ارزش افزوده صنعت (درصد)



مأخذ: همان.



همان‌طور که جدول (۲) نشان می‌دهد، هم‌بستگی مثبتی بین واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و رشد اقتصادی وجود دارد، بدان معنا که رشد اقتصادی نیازمند رشد این نوع از واردات خواهد بود. از سوی دیگر، ارتباط مذکور با واردات کالاهای سرمایه‌ای نیز قابل مشاهده است. نکته جالب اینجاست که این ارتباط برای بخش صنعت بیش از کل اقتصاد ایران است، چراکه ضریب هم‌بستگی هر کدام از انواع این نوع از واردات با رشد ارزش افزوده بخش صنعت ارقام بالاتری نسبت به رشد اقتصادی دارد. این موضوع نیز نشانگر وابستگی بیشتر تولید صنعتی به واردات نهاده‌های مختلف و نیز کالاهای سرمایه‌ای وارداتی است.

جدول ۲. ضرایب هم‌بستگی بین واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای با رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری

| رشد واردات کالاهای سرمایه‌ای | رشد واردات مواد اولیه و کالای واسطه‌ای | شرح |
|------------------------------|--|--|
| ۰/۳۵ | ۰/۳۶ | رشد اقتصادی |
| ۰/۴۸ | ۰/۵۳ | رشد ارزش افزوده بخش صنعت |
| ۰/۷۰ | ۰/۵۶ | رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص |
| ۰/۸۳ | ۰/۶۶ | رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین‌آلات |
| ۰/۲۸ | ۰/۲۲ | رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ساختمان |

مأخذ: محاسبات بر مبنای اطلاعات بانک مرکزی.

نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، این است که وابستگی به واردات در سرمایه‌گذاری بیشتر از تولید است، چراکه ضریب هم‌بستگی بین رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و رشد واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و نیز رشد واردات کالاهای سرمایه‌ای بالاست، به‌ویژه هم‌بستگی بالایی بین واردات کالاهای سرمایه‌ای و رشد تشکیل سرمایه وجود دارد. این هم‌بستگی به‌طور مشخص بین تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین‌آلات و رشد واردات کالاهای سرمایه‌ای بسیار بالاست که نشان می‌دهد این نوع از واردات عمدتاً به‌صورت سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات موجب افزایش ظرفیت‌های تولیدی کشور شده و خود یکی از مسیرهای انتقال دانش و فناوری به اقتصاد ایران محسوب می‌شود. در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت: اولاً، در دهه‌های گذشته سهم عمده واردات را مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای (۶۳ درصد) و کالاهای سرمایه‌ای (۲۲ درصد) تشکیل می‌دهند، ثانیاً، تولید در اقتصاد ایران به‌طور عام و تولید صنعتی به‌صورت خاص وابستگی زیادی به این نوع از واردات دارد، ثالثاً، سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران، به‌ویژه سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات ارتباط بسیار بالایی با واردات، به‌ویژه واردات کالاهای سرمایه‌ای دارد. این نکات در کنار هم نشان می‌دهند که در مجموع اقتصاد ایران هم در تولید و هم در سرمایه‌گذاری وابستگی قابل توجهی به واردات نهاده‌های تولید و نیز کالاهای سرمایه‌ای دارد و لذا اختلال در واردات می‌تواند تولید را هم در کوتاه‌مدت و هم بلندمدت مختل کند.

۴. اندازه‌گیری وابستگی به واردات صنایع ایران با استفاده از جدول داده - ستانده

همان‌طور که در بخش قبل بیان شد، اقتصاد ایران وابستگی قابل توجهی به واردات دارد و این موضوع در بخش صنعت از کل اقتصاد ایران جدی‌تر است. باین حال، میزان وابستگی به واردات در بخش‌های مختلف یکسان نیست. یکی از روش‌ها برای اندازه‌گیری میزان وابستگی به واردات برای تولید، استفاده از جدول داده-ستانده برای اقتصاد ایران است.

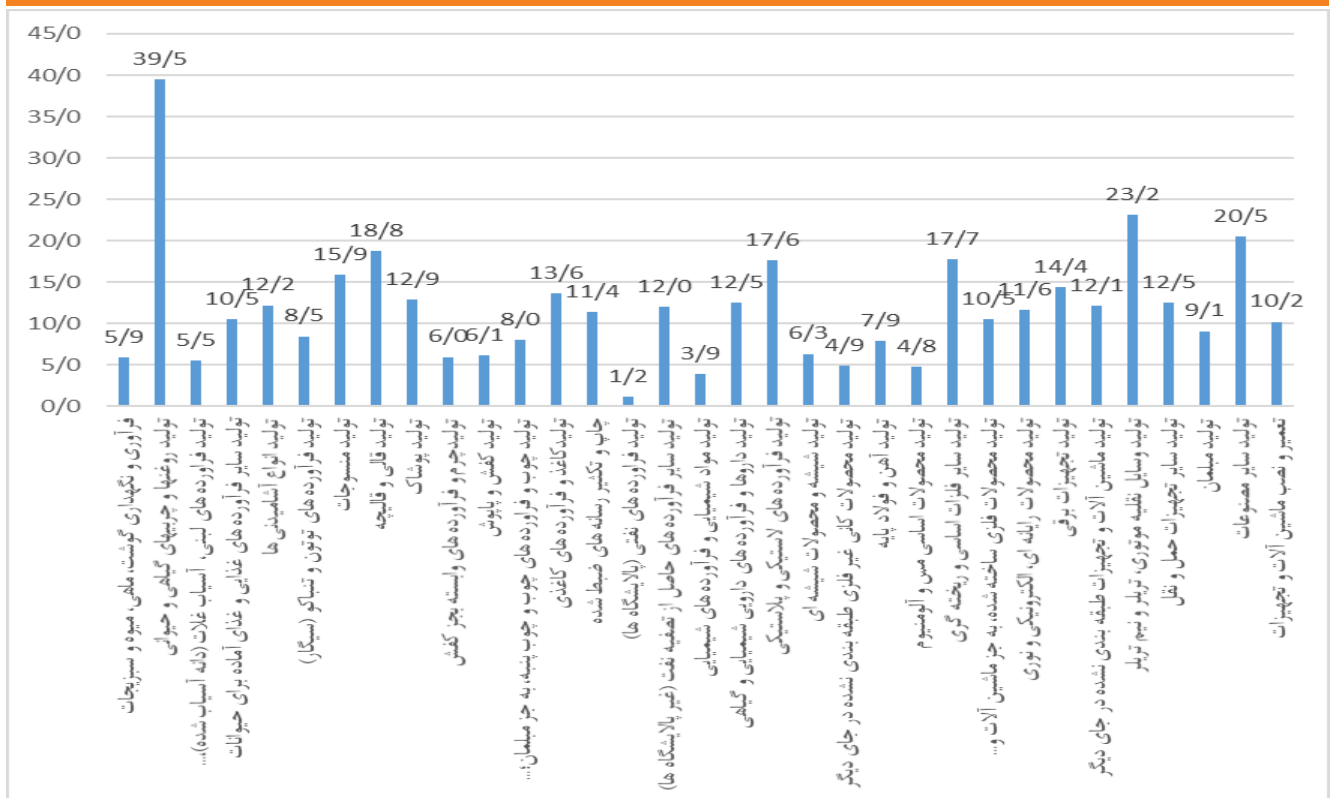
در این قسمت برای محاسبه میزان وابستگی تولید زیربخش‌های صنعتی در اقتصاد ایران به واردات از جدول داده-ستانده اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۵ که توسط بانک مرکزی محاسبه و منتشر شده استفاده می‌شود. در زیرمجموعه جداول داده-ستانده اقتصاد ایران، جدول واردات واسطه‌ای اقتصاد ایران (جدول شماره ۷) شامل ۱۳۰ محصول و ۸۹ فعالیت ارائه شده که در آن میزان واردات واسطه‌ای هر محصول یا فعالیت در آن ارائه شده است. در ردیف آخر این جدول مجموع واردات واسطه‌ای فعالیت‌های ۸۹ گانه اقتصاد ایران ارائه شده است. با تقسیم اقلام این ردیف بر ارزش تولیدات هر کدام از فعالیت‌های مذکور (ردیف آخر جدول شماره ۳، عرضه اقتصاد ایران)، نسبت واردات واسطه‌ای به ارزش تولیدات هر یک از فعالیت‌های ۸۹ گانه به دست می‌آید. با توجه به اینکه در این گزارش تمرکز بر زیربخش‌های صنعتی است، در ادامه نتایج مربوط به فعالیت‌های صنعتی (بر اساس طبقه‌بندی جدول داده-ستانده بانک مرکزی) ارائه می‌شود.

از بررسی نمودار (۲) می‌توان به چند نکته رسید. نکته اول این است که مطابق با آنچه که در تحلیل بخش قبل مشاهده شده، وابستگی بخش صنعت به واردات از وابستگی کلی اقتصاد ایران بیشتر است. براساس اطلاعات جدول داده-ستانده و محاسبات پژوهش، متوسط نسبت واردات واسطه‌ای به ارزش تولیدات در کل اقتصاد ایران ۵/۸ درصد و متوسط مذکور برای بخش صنعت ۱۱/۸ درصد است. این مسئله نشان می‌دهد که بخش صنعت در ایران وابستگی بیشتری به واردات برای تولید دارد.

نکته دوم این است که در بخش صنعت نیز میزان وابستگی تولید به واردات واسطه‌ای در میان بخش‌های مختلف صنعتی یکسان نیست. به‌طور مشخص، بالاترین میزان وابستگی به واردات، مربوط به فعالیت «تولید روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی» (بیش از ۳۹ درصد)، و پس از آن «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر» (بیش از ۲۳ درصد) و «تولید سایر مصنوعات» (بیش از ۲۰ درصد) است. در رتبه‌های بعدی «تولید قالی و قالیچه» (نزدیک به ۱۹ درصد)، «تولید سایر فلزات اساسی و ریخته‌گری» (نزدیک به ۱۸ درصد) و «تولید فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی» (بیش از ۱۷ درصد) قرار می‌گیرند. در مقابل، کمترین میزان وابستگی به واردات واسطه‌ای برای تولید در «تولید فرآورده‌های نفتی (پالایشگاه‌ها)» (۱۲/۲ درصد)، «تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی» (۳/۹ درصد)، «تولید محصولات اساسی مس و آلومینیوم» (۴/۸ درصد) و «تولید کانی‌های غیرفلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر» (۴/۹ درصد) قابل مشاهده است. از مشاهده و مقایسه میان این دو گروه می‌توان به این نتیجه کلی رسید که عمده صنایعی که در بالادست زنجیره ارزش قرار دارند و تولید آنها نیازمند دسترسی به مواد معدنی، نفتی یا شیمیایی اولیه است، با توجه به ذخایر غنی معدنی و نفتی کشور، به نسبت ارزش تولیدات خود وابستگی بسیار پایینی به واردات واسطه‌ای دارند. در مقابل، صنایعی که در پایین دست زنجیره ارزش قرار دارند و به مصرف‌کننده نهایی نزدیک‌تر هستند، مانند صنایع تولید روغن، صنایع خودرو و صنایع مشابه آنها وابستگی بیشتری به واردات محصولات واسطه‌ای دارند.

نکته بعدی این است که میزان وابستگی به واردات برای صنایع مختلف لزوماً به معنای یک نکته منفی نیست، بلکه درجات مختلف این وابستگی بازتاب ساختار متفاوت صنایع از یک سو و نیز گستردگی زنجیره ارزش در داخل یا نیازهای خاص صنایع به واردات مواد یا قطعات خاص است و این ساختار صرفاً نشان می‌دهد که حساسیت صنایع مختلف به شوک‌های وارده از سمت بازار جهانی، بازار ارز یا هر نوع اختلالی در واردات متفاوت است.

نمودار ۲. نسبت واردات واسطه‌ای به ارزش تولیدات فعالیت‌های صنعتی براساس جدول داده-ستانده اقتصاد ایران (۱۳۹۵) (درصد)



مأخذ: محاسبات پژوهش براساس جدول داده-ستانده بانک مرکزی در سال ۱۳۹۵.



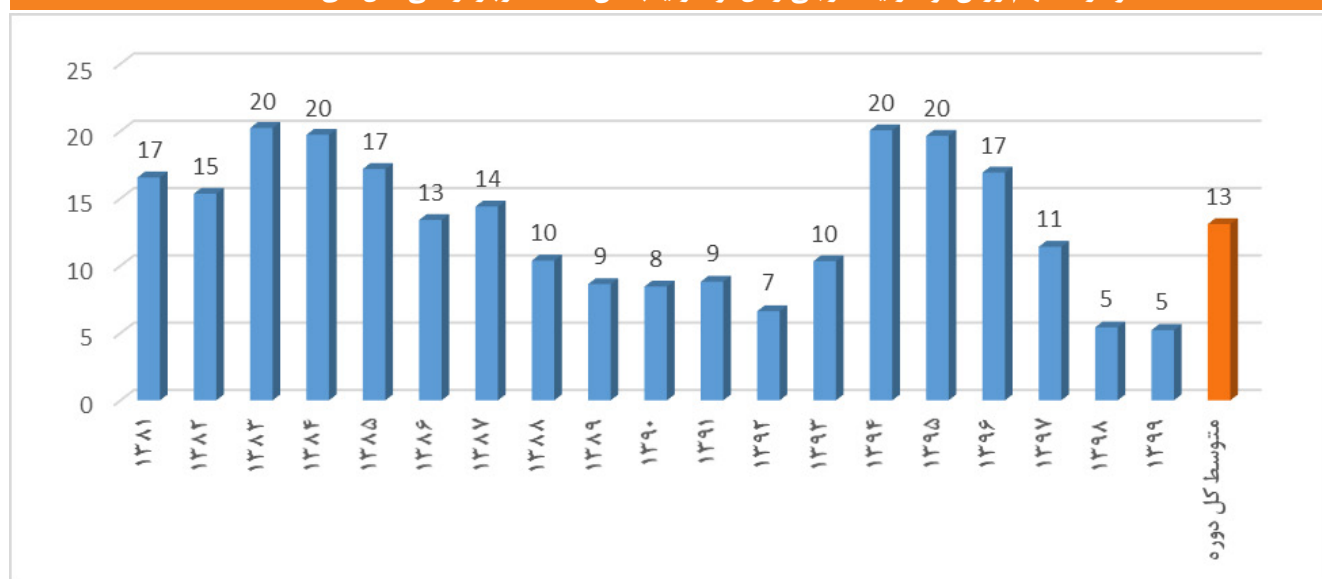
در نهایت، باید توجه کرد که این محاسبه صرفاً وابستگی تولیدات صنعتی به واردات محصولات واسطه‌ای را نشان می‌دهد، که در کوتاه‌مدت مورد توجه است، اما نوع دیگری از وابستگی به واردات که مربوط به واردات ماشین‌آلات و تجهیزات است و به فناوری و ساختار تولید و ماشین‌آلات و تجهیزات مربوط می‌شود و در بلندمدت اهمیت دارد، در این محاسبات گنجانده نشده است که در بخش‌های بعدی گزارش به آن توجه می‌شود. بر این اساس، ممکن است یک صنعت وابستگی نسبتاً پایینی به واردات محصولات واسطه‌ای برای تولید داشته باشد (مانند صنایع تولید منسوجات)، اما وابستگی آن به واردات تجهیزات، فناوری و کالاهای سرمایه‌ای بسیار بالا باشد. لذا سیاستگذاری مناسب صنعتی و اقتصادی نیازمند توجه به هر دو بُعد است.

۵. بررسی میزان وابستگی کوتاه‌مدت و بلندمدت صنایع به واردات بر اساس آمار کارگاه‌های صنعتی

۵-۱. اندازه‌گیری وابستگی کوتاه‌مدت صنایع ایران و تحولات آن به واردات بر اساس آمار کارگاه‌های صنعتی

همان‌طور که در بخش‌های قبلی نیز بیان شد، وابستگی به واردات در کوتاه‌مدت ناشی از نیاز تولید به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای است. لذا در این بخش سهم ارزش مواد خام و اولیه، لوازم بسته‌بندی، ابزار و وسایل کار کم‌دوام خارجی از کل ارزش نهاده‌های مذکور (شامل داخلی و وارداتی) بررسی شده که معیاری از وابستگی کوتاه‌مدت بخش صنعت به واردات است (نمودار ۳). بر اساس نمودار (۳) نسبت ارزش مواد خام و اولیه خارجی از کل (داخلی و خارجی) روندی نوسانی داشته است. بررسی این نوسانات نشان می‌دهد که در سال‌های تحریم از سال ۱۳۸۷ تا سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۹۰ این نسبت در مقایسه با سایر سال‌ها پایین‌تر بوده است. در مقابل، در سال‌های پیش از تحریم در دهه ۱۳۸۰ و نیز در سال‌های دوره برجام این سهم افزایش یافته است. به نظر می‌رسد که تحریم‌های اقتصادی از روش‌های مختلف به صورت مستقیم و غیرمستقیم موجب ایجاد اختلال در دسترسی اقتصاد ایران به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای صنایع شده و از این رو موجب بروز آسیب به بخش صنعت شده‌اند. از این رو می‌توان گفت که یکی از دلایل کاهش رشد اقتصادی و رشد صنعتی در سال‌های مذکور، دسترسی کمتر به نهاده‌های مذکور برای تولید بوده است. اختلال در دسترسی به صورت تحریم مستقیم صنایع، تحریم بانکی، تحریم‌های حمل‌ونقل و لجستیک و یا افزایش هزینه دسترسی (ناشی از افزایش قیمت به دلیل افزایش نرخ ارز یا هزینه‌های غیرمستقیم) قابل توضیح است. بررسی کلی نسبت مواد اولیه وارداتی به کل مواد اولیه مورد استفاده در بخش صنعت نشان می‌دهد که متوسط نسبت مذکور برای دوره تقریباً دو دهه گذشته ۱۳ درصد بوده که در بالاترین میزان به ۲۰ درصد و در کمترین میزان آن به ۵ درصد رسیده که حداقل‌های این نسبت در سال‌هایی است که اقتصاد ایران با تحریم‌های شدیدتری روبه‌رو بوده است.

نمودار ۳. سهم ارزش مواد اولیه خارجی از کل مواد اولیه بخش صنعت در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹

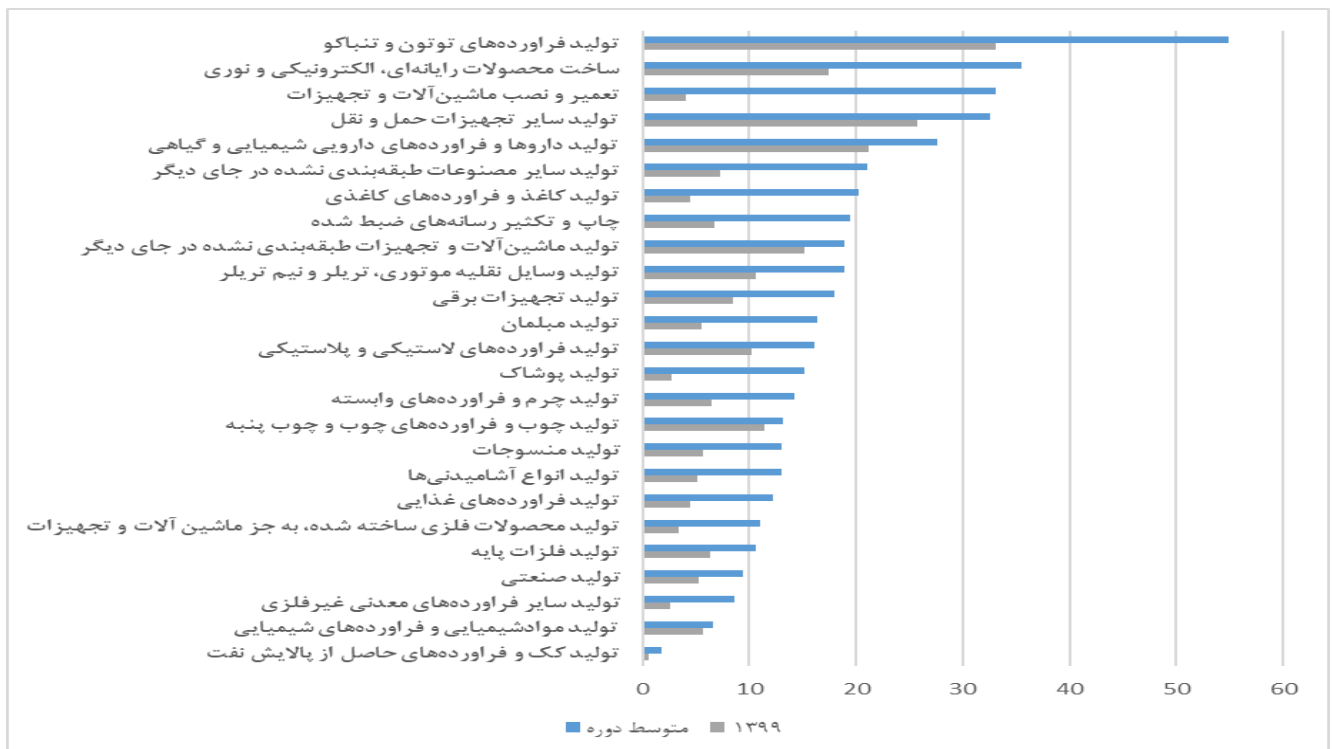


مأخذ: محاسبات محقق بر اساس آمار کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر - مرکز آمار ایران.

همان طور که انتظار می رود، سهم ارزش مواد اولیه وارداتی به کل مواد اولیه مصرف شده در جریان تولید به تفکیک فعالیت های صنعتی نیز یکسان نیست و از این حیث تفاوت قابل توجهی بین صنایع مختلف وجود دارد (نمودار ۴). به منظور مقایسه، اطلاعات این نسبت به طور متوسط برای کل دوره و نیز سال آخر دوره نیز ارائه شده است. بالاترین میزان سهم ارزش مواد اولیه وارداتی به کل مواد اولیه مصرف شده در جریان تولید، مربوط به فعالیت های «تولید فراورده های توتون و تنباکو»، «ساخت محصولات رایانه ای، الکترونیکی و نوری»، «تعمیر و نصب ماشین آلات و تجهیزات»، «تولید سایر تجهیزات حمل و نقل»، «تولید داروها و فراورده های دارویی شیمیایی و گیاهی»، «تولید سایر مصنوعات طبقه بندی نشده در جای دیگر» و «تولید کاغذ و فراورده های کاغذی» است. در مقابل، کمترین میزان سهم ارزش مواد اولیه وارداتی به کل مواد اولیه مصرف شده در جریان تولید در «تولید کک و فراورده های حاصل از پالایش نفت»، «تولید مواد شیمیایی و فراورده های شیمیایی»، «تولید سایر فراورده های معدنی غیر فلزی»، «تولید فلزات پایه»، «تولید محصولات فلزی ساخته شده، به جز ماشین آلات و تجهیزات» قابل مشاهده است. این تفاوت در بین صنایع نشان می دهد که عمده صنایعی که در بالادست زنجیره ارزش قرار دارند و تولید آنها نیازمند دسترسی به مواد معدنی، نفتی یا شیمیایی اولیه است، با توجه به ذخایر غنی معدنی و نفتی کشور، به نسبت ارزش تولیدات خود، وابستگی کمتری به واردات دارند و در مقابل صنایعی که در پایین دست زنجیره ارزش قرار دارند و محصولات نهایی تولید می کنند، وابستگی بیشتری به مواد اولیه و کالاهای واسطه ای دارند. از سوی دیگر، این مسئله نشان می دهد که زنجیره ارزش در بخش صنعت ایران بین صنایع بالادستی و صنایع پایین دستی حلقه های تکمیل نشده قابل توجهی دارد که می تواند ناشی از مشکلات فنی و تکنولوژیکی، عدم دسترسی به مواد خام خاص یا عدم صرفه اقتصادی تولید این محصولات میانی در داخل کشور باشد که خود نیازمند بررسی بیشتر و جداگانه ای است.

نسبت ارزش مواد اولیه وارداتی به کل مواد اولیه مصرف شده در جریان تولید در سال ۱۳۹۹ برای بسیاری از صنایع نظیر «تولید محصولات از توتون و تنباکو»، «ساخت محصولات رایانه ای، الکترونیکی و نوری»، «تعمیر و نصب ماشین آلات و تجهیزات»، «تولید سایر تجهیزات حمل و نقل»، «تولید داروها و فراورده های دارویی شیمیایی و گیاهی»، «تولید سایر مصنوعات طبقه بندی نشده در جای دیگر» و «تولید کاغذ و فراورده های کاغذی» در مقایسه با متوسط دوره مورد مطالعه کاهش یافته است که نشان می دهد این صنایع در آن سال به دنبال شوک های ارزی و قیمتی و تحریم های اقتصادی، شوک ناشی از بیماری کرونا و مشکلات زنجیره عرضه از نسبت واردات کمتری از نهاده های خارجی در مقایسه با متوسط بلندمدت خود داشته اند.

نمودار ۴. سهم ارزش مواد اولیه خارجی از کل مواد اولیه به تفکیک فعالیت های فعالیت صنعتی (سال ۱۳۹۹ در مقایسه با متوسط دوره زمانی سال های ۱۳۸۱-۱۳۹۹)

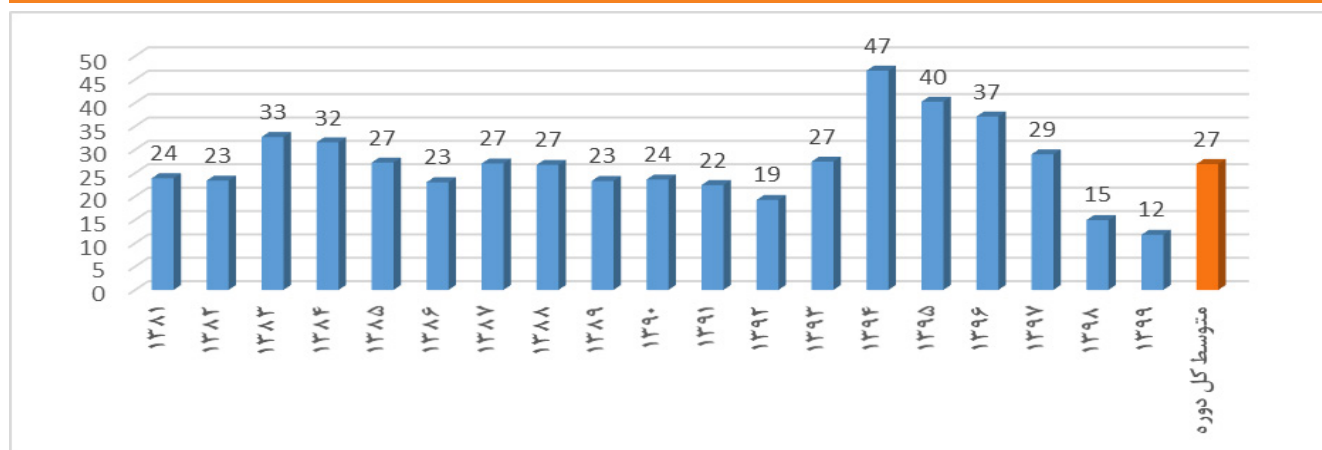


مأخذ: همان.



به‌طور کلی بررسی سهم ارزش مواد اولیه خارجی از ارزش افزوده محصولات صنعتی در کل دوره مذکور حاکی از آن است که به‌طور متوسط این سهم برای دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۹ برابر ۲۷ درصد بوده است (نمودار ۵). این بدان معناست که برای تولید هر ۱۰۰ واحد ارزش افزوده نیاز به مصرف ۲۷ واحد از نهاده‌های خام خارجی وجود داشته است. روند این نسبت نیز نشان می‌دهد که در سال‌هایی که شوک‌های ارزی، تحریم‌های اقتصادی و بیماری کرونا وجود داشته، این نسبت کاهش یافته که نشانگر دسترسی کمتر به مواد اولیه وارداتی است.

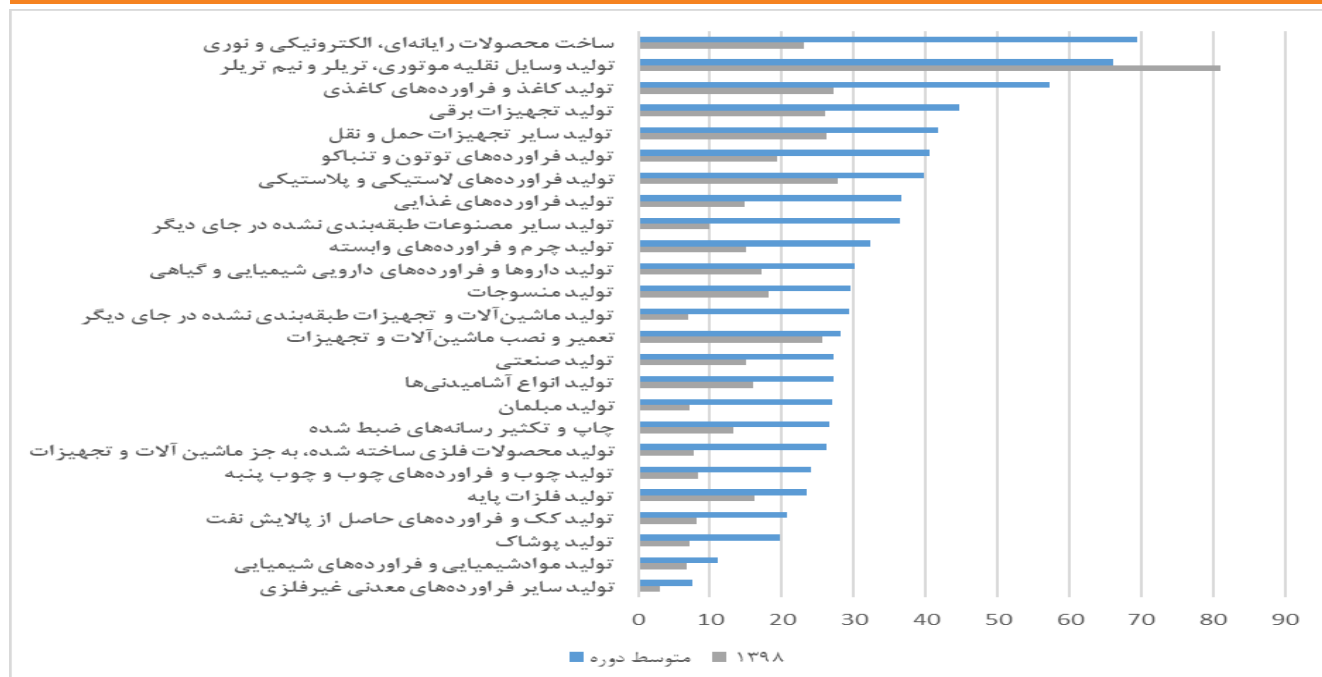
نمودار ۵. سهم ارزش مواد اولیه خارجی از ارزش افزوده محصولات صنعتی در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹



مأخذ: همان.

سهم ارزش مواد اولیه خارجی از ارزش افزوده محصولات صنعتی به تفکیک فعالیت‌های صنعتی برای تمام رشته فعالیت‌های صنعتی در سال ۱۳۹۹ به جز «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر» کمتر از متوسط دوره بوده است. در واقع رشته فعالیت‌های صنعتی برای ایجاد ارزش افزوده در سال ۱۳۹۹ در مقایسه با متوسط دوره واردات مواد اولیه خارجی کمتری استفاده کرده‌اند که حکایت از محدودیت‌های واردات نهاده‌های خارجی و از سوی دیگر، تطبیق نسبی بخش صنعت با این محدودیت‌ها دارد (نمودار ۶).

نمودار ۶. سهم ارزش مواد اولیه خارجی از ارزش افزوده محصولات صنعتی (سال ۱۳۹۹ در مقایسه با متوسط دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹)

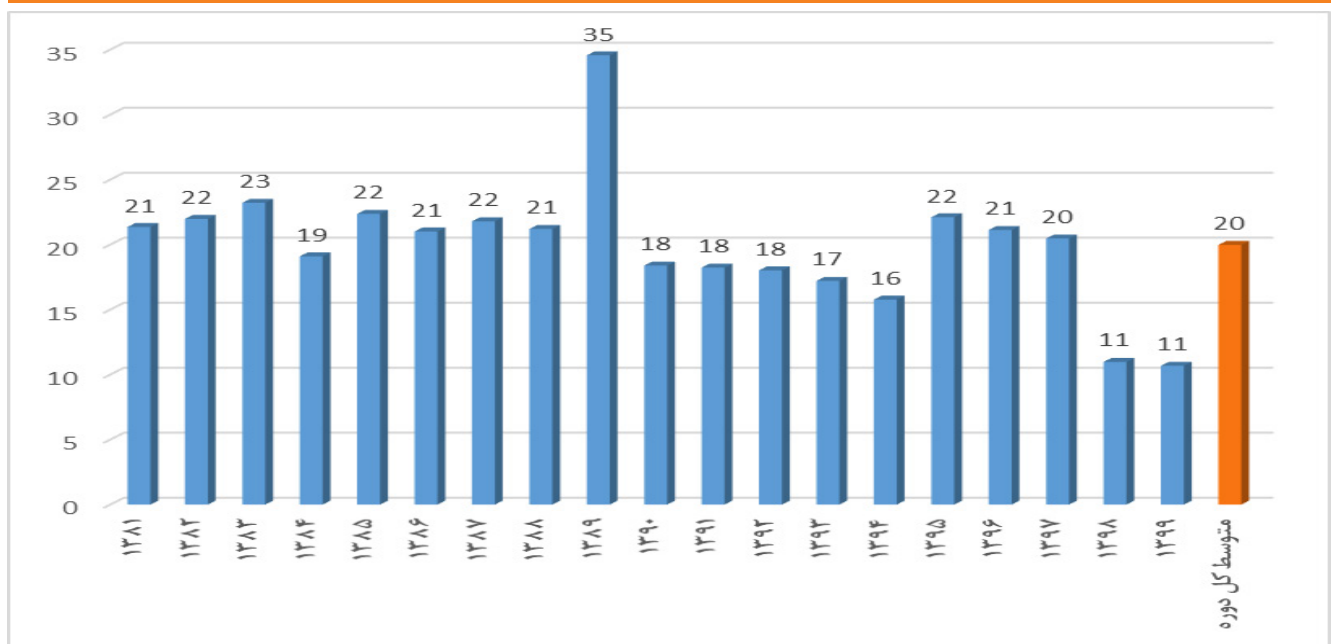


مأخذ: همان.

۲-۵. اندازه گیری وابستگی بلندمدت صنایع ایران به واردات و تحولات آن بر اساس آمار کارگاه های صنعتی

همان طور که در ابتدای این بخش نیز بیان شد، میزان وابستگی به واردات کالاهای سرمایه ای و تجهیزات نشانگر وابستگی در بلندمدت است که بر فناوری و ساختار صنایع اثر می گذارد و یکی از مسیرهای انتقال دانش بین المللی به صنایع کشور است. به منظور بررسی این موضوع، در این بخش، سهم ارزش خرید یا تحصیل اموال سرمایه ای خارجی از کل ارزش خرید یا تحصیل اموال سرمایه ای (مجموع داخلی و خارجی) هم بر حسب کل بخش صنعت و هم بر حسب رشته فعالیت های صنعتی بررسی شده است. همان طور که نمودار (۷) نشان می دهد، در دهه ۱۳۸۰ سهم ارزش خرید یا تحصیل اموال سرمایه ای خارجی از کل میزان خرید اموال سرمایه ای در بخش صنعت بین ۱۹ تا ۲۳ درصد در نوسان بوده، اما این نسبت با افزایش واردات در سال ۱۳۸۹ به شدت افزایش یافته و به ۳۴/۶ درصد رسیده است. بر همین اساس، تقریباً ۲۰ درصد از ارزش اموال سرمایه ای که در کل بخش صنعت سرمایه گذاری شده، از خارج از کشور تأمین شده، هر چند این نسبت در سال های مختلف متفاوت بوده است. با این حال، به نظر می رسد که به غیر از سال ۱۳۸۹ که شاهد افزایش معناداری در این نسبت بوده، در اکثر سال ها این نسبت روندی نسبتاً به اثبات داشته است. همچنین نکته مهمی که قابل ملاحظه می باشد، این است که محدودیت های خارجی اعم از شوک های ارزی یا تحریم های اقتصادی نیز بر این نسبت اثر گذار بوده اند، به ویژه در سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ شاهد کاهش معنادار این نسبت است.

نمودار ۷. سهم ارزش خرید یا تحصیل اموال سرمایه ای خارجی از کل خرید یا تحصیل اموال سرمایه ای بخش صنعت در دوره زمانی سال های ۱۳۸۱-۱۳۹۹

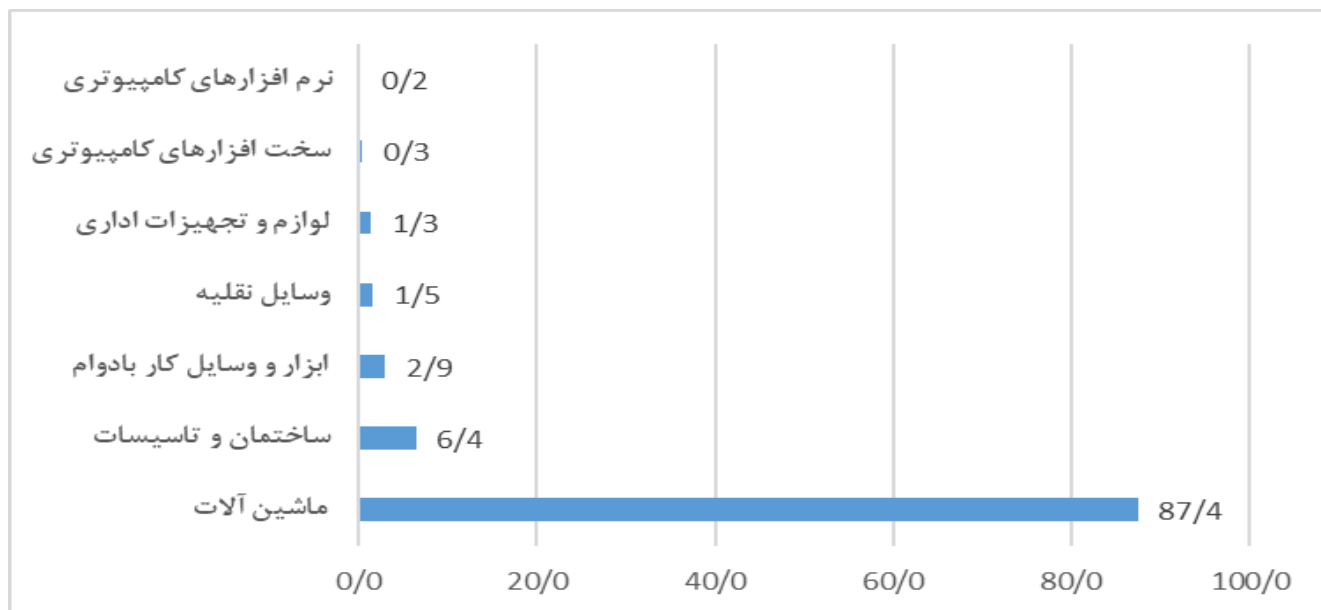


مأخذ: همان.

به منظور بررسی و مقایسه اجزای تشکیل دهنده وابستگی بلندمدت بخش صنعت به واردات، سهم اجزای ارزش خرید یا تحصیل اموال سرمایه ای خارجی از کل اموال سرمایه ای خارجی بخش صنعت برای متوسط دوره زمانی سال های ۱۳۸۱-۱۳۹۹ در نمودار (۸) بررسی شده است. بر اساس محاسبات انجام شده حدود ۸۷ درصد از واردات اموال سرمایه ای در بخش صنعت مربوط به ماشین آلات بوده است. در واقع قسمت اعظم واردات اموال سرمایه ای وابسته به ماشین آلات خارجی است. ساختمان و تأسیسات، ابزار و وسایل بادوام، وسایل نقلیه و لوازم و تجهیزات اداری به ترتیب در رتبه های بعدی واردات کالاهای سرمایه ای مورد نیاز بخش صنعت قرار دارند و در نهایت سخت افزار و نرم افزارهای کامپیوتری در مجموع ۰٫۵ درصد از واردات اموال سرمایه ای مورد نیاز بخش صنعت را تشکیل داده اند. این موضوع نشان می دهد که صنعت در ایران در بلندمدت برای تداوم فعالیت و رشد خود نیاز جدی به ماشین آلات خارجی به عنوان یکی از مسیرهای انتقال فناوری جدید دارد که این موضوع باید در سیاستگذاری های صنعتی مد نظر قرار گیرد.



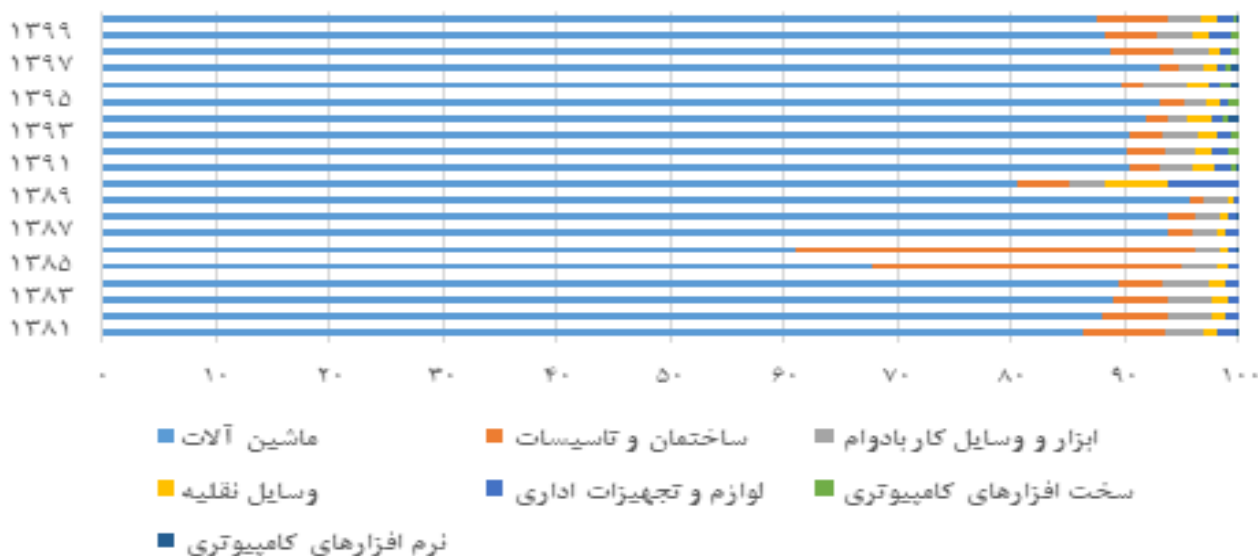
نمودار ۸. سهم اجزای ارزش خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی از کل خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی بخش صنعت برای متوسط دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹



مأخذ: همان.

بررسی روند سهم اجزای کل اموال سرمایه‌ای از کل واردات سرمایه‌ای در نمودار (۹) و جدول (۳) بیانگر آن است که ماشین‌آلات وارداتی همواره بیش از ۶۰ درصد از واردات اقلام سرمایه‌ای وارداتی بخش صنعت را به خود اختصاص داده است. این نسبت در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ به دلیل افزایش در سهم ساختمان و تأسیسات اندکی کاهش داشته و به ۶۱ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده، ولی در ادامه سال‌های دوره مورد مطالعه همواره بالای ۸۰ درصد بوده است. سهم واردات سخت‌افزار و نرم‌افزارهای کامپیوتری نیز در دهه ۱۳۹۰ در مقایسه با دهه ۱۳۸۰ افزایش یافته و در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ با برداشته شدن تحریم‌ها افزایش قابل توجهی داشته است (جدول ۳).

نمودار ۹. روند سهم اجزای کل اموال سرمایه‌ای از کل واردات سرمایه‌ای دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹



مأخذ: همان.

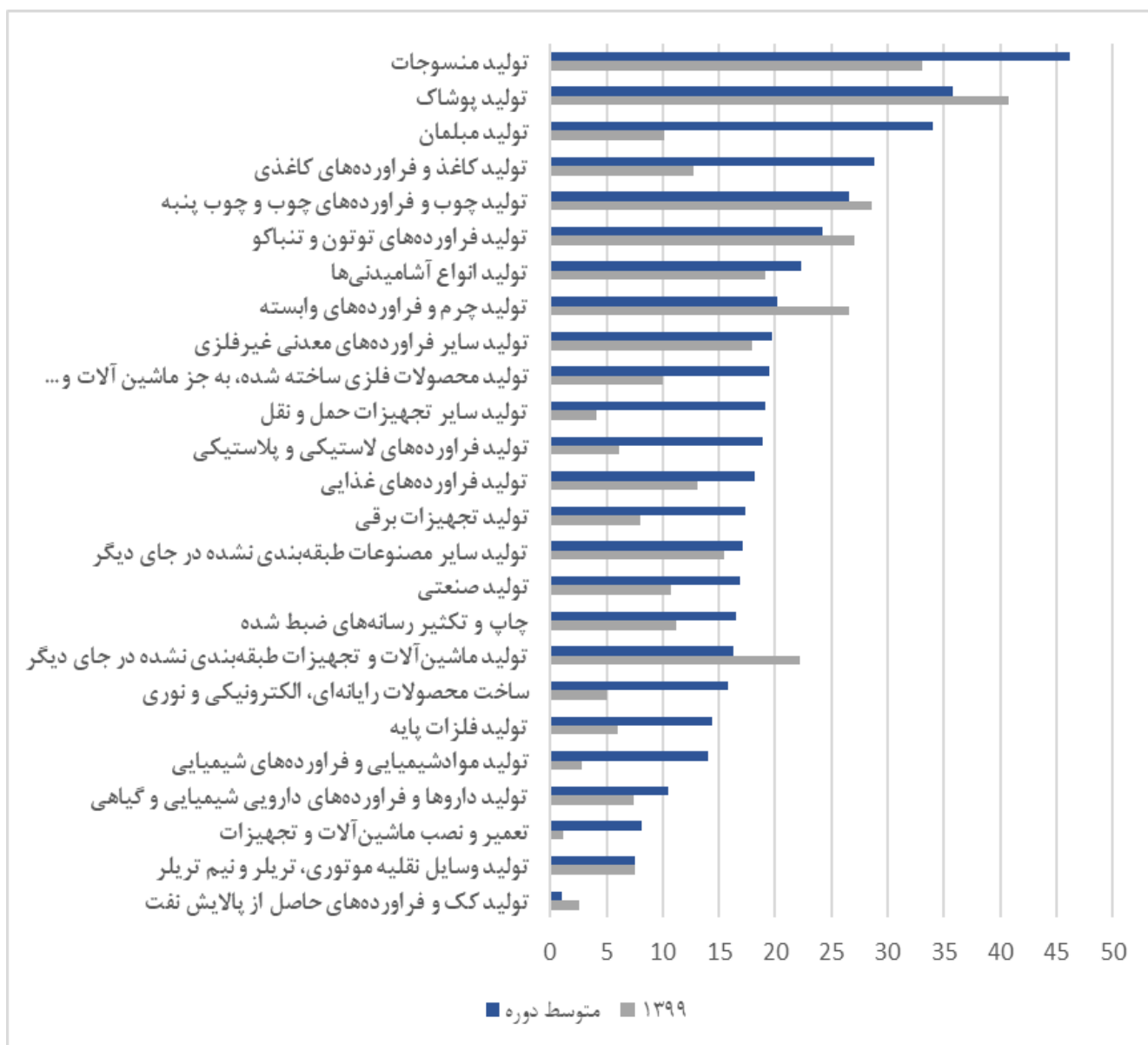
جدول ۳. روند سهم اقلام سرمایه‌ای وارداتی از کل واردات سرمایه‌ای بخش صنعت در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹

| سال | ماشین‌آلات | ساختمان و تاسیسات | ابزار و وسایل کار بادوام | وسایل نقلیه | لوازم و تجهیزات اداری | سخت‌افزارهای کامپیوتری | نرم‌افزارهای کامپیوتری |
|---------------|------------|-------------------|--------------------------|-------------|-----------------------|------------------------|------------------------|
| ۱۳۸۱ | ۸۶,۲ | ۷,۳ | ۳,۴ | ۱,۲ | ۱,۶ | ۰,۰ | ۰,۳ |
| ۱۳۸۲ | ۸۷,۹ | ۵,۹ | ۳,۹ | ۱,۱ | ۱,۱ | ۰,۰ | ۰,۱ |
| ۱۳۸۳ | ۸۸,۹ | ۴,۸ | ۴,۰ | ۱,۳ | ۱,۰ | ۰,۰ | ۰,۱ |
| ۱۳۸۴ | ۸۹,۴ | ۳,۸ | ۴,۲ | ۱,۳ | ۱,۱ | ۰,۰ | ۰,۱ |
| ۱۳۸۵ | ۶۷,۷ | ۲۷,۲ | ۳,۲ | ۱,۱ | ۰,۸ | ۰,۰ | ۰,۱ |
| ۱۳۸۶ | ۶۱,۰ | ۳۵,۱ | ۲,۲ | ۰,۷ | ۰,۷ | ۰,۰ | ۰,۱ |
| ۱۳۸۷ | ۹۳,۸ | ۲,۰ | ۲,۲ | ۰,۹ | ۱,۰ | ۰,۰ | ۰,۱ |
| ۱۳۸۸ | ۹۳,۷ | ۲,۴ | ۲,۲ | ۰,۹ | ۰,۷ | ۰,۰ | ۰,۱ |
| ۱۳۸۹ | ۹۵,۸ | ۱,۲ | ۲,۲ | ۰,۵ | ۰,۴ | ۰,۰ | ۰,۰ |
| ۱۳۹۰ | ۸۰,۶ | ۴,۶ | ۳,۰ | ۵,۶ | ۶,۱ | ۰,۰ | ۰,۱ |
| ۱۳۹۱ | ۹۰,۳ | ۲,۶ | ۳,۰ | ۱,۹ | ۱,۴ | ۰,۶ | ۰,۲ |
| ۱۳۹۲ | ۹۰,۲ | ۳,۴ | ۲,۴ | ۱,۶ | ۱,۴ | ۰,۸ | ۰,۱ |
| ۱۳۹۳ | ۹۰,۴ | ۲,۹ | ۳,۲ | ۱,۷ | ۱,۰ | ۰,۷ | ۰,۱ |
| ۱۳۹۴ | ۹۱,۷ | ۲,۱ | ۱,۶ | ۲,۰ | ۱,۰ | ۰,۶ | ۰,۹ |
| ۱۳۹۵ | ۹۲,۹ | ۲,۳ | ۱,۸ | ۱,۳ | ۰,۷ | ۰,۸ | ۰,۱ |
| ۱۳۹۶ | ۸۹,۶ | ۱,۹ | ۳,۸ | ۲,۱ | ۰,۹ | ۰,۹ | ۰,۷ |
| ۱۳۹۷ | ۹۳,۱ | ۱,۶ | ۲,۲ | ۱,۲ | ۰,۷ | ۰,۷ | ۰,۶ |
| ۱۳۹۸ | ۸۸,۶ | ۵,۶ | ۳,۱ | ۱,۰ | ۰,۹ | ۰,۷ | ۰,۱ |
| ۱۳۹۹ | ۸۸,۳ | ۴,۶ | ۳,۰ | ۱,۵ | ۱,۸ | ۰,۷ | ۰,۱ |
| متوسط کل دوره | ۸۷,۴ | ۶,۴ | ۲,۹ | ۱,۵ | ۱,۳ | ۰,۳ | ۰,۲ |

مأخذ: همان.

به منظور مقایسه صنایع مختلف از منظر میزان وابستگی به واردات بلندمدت، نسبت اموال سرمایه‌ای وارداتی به کل اموال سرمایه‌ای خریداری شده آنها با یکدیگر (متوسط کل دوره و سال ۱۳۹۹ به عنوان آخرین سال در دسترس) در نمودار (۸) ترسیم شده است. بر این اساس، بالاترین میزان وابستگی به واردات اموال سرمایه‌ای براساس متوسط دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۹، مربوط به فعالیت‌های «تولید منسوجات»، «تولید پوشاک»، «تولید مبلمان»، «تولید کاغذ و فراورده‌های کاغذی»، «تولید چوب و فراورده‌های چوبی» است که عمدتاً صناعی هستند که محصول نهایی تولید می‌کنند و در پایین دست زنجیره ارزش قرار دارند. در مقابل، کمترین میزان وابستگی در «تولید کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت»، «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر»، «تعمیر و نصب ماشین‌آلات و تجهیزات»، «تولید داروها و فراورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی»، «تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی» و «تولید فلزات پایه» است که به غیر از صنعت خودرو، اکثر آن در بالادست قرار دارند. این الگو با الگوی وابستگی به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای هماهنگ است و تأییدکننده عدم تکمیل حلقه‌های میانی در بین صنایع کشور و وابستگی بیشتر صنایع پایین دست به زنجیره جهانی ارزش است.

نمودار ۱۰. سهم ارزش خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی از کل خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای در رشته فعالیت‌های صنعتی (سال ۱۳۹۹ در مقایسه با متوسط دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹)



مأخذ: همان.

همان‌طور که در همین بخش بیان شد، عمده هزینه‌ای که صرف واردات اموال سرمایه‌ای شده، مربوط به ماشین‌آلات بوده است و سایر اجزای آن سهم قابل توجهی ندارند، باین حال، شدت این موضوع در بین صنایع مختلف یکسان نیست. به‌طور مشخص، در فعالیت‌های «تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی»، «ساخت محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری»، «تولید مبلمان» و «تولید داروها و فرآورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی» خرید ساختمان و تأسیسات بعد از ماشین‌آلات رقم قابل توجهی است. همچنین در فعالیت‌های «ساخت محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری»، «تولید سایر تجهیزات حمل و نقل»، «تولید سایر مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر»، «تعمیر و نصب ماشین‌آلات و تجهیزات» و «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر» در دوره مورد مطالعه به‌طور متوسط سهم بالایی از واردات اقلام سرمایه‌ای را ابزار و وسایل کار بادوام تشکیل می‌دهند.

جدول ۴. سهم ارزش اجزای خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی از کل خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی متوسط دوره زمانی
(سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۸۱)

| سخت‌افزارهای کامپیوتری | نرم‌افزارهای کامپیوتری | ساختمان و تأسیسات | وسایل نقلیه | لوازم و تجهیزات اداری | ابزار و وسایل کار بادوام | ماشین‌آلات | |
|------------------------|------------------------|-------------------|-------------|-----------------------|--------------------------|------------|--|
| ۰,۶ | ۰,۴ | ۴,۰ | ۲,۰ | ۱,۹ | ۱,۶ | ۸۹,۴ | تولید فرآورده‌های غذایی |
| ۱,۴ | ۰,۱ | ۲,۸ | ۲,۱ | ۱,۲ | ۱,۰ | ۹۱,۴ | تولید انواع آشامیدنی‌ها |
| ۴,۵ | ۰,۰ | ۰,۴ | ۰,۲ | ۲,۴ | ۱,۵ | ۹۱,۰ | تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو |
| ۰,۱ | ۰,۱ | ۲,۳ | ۰,۴ | ۰,۱ | ۰,۶ | ۹۶,۴ | تولید منسوجات |
| ۰,۹ | ۰,۱ | ۰,۴ | ۰,۵ | ۲,۶ | ۲,۳ | ۹۳,۲ | تولید پوشاک |
| ۰,۵ | ۰,۲ | ۱,۷ | ۳,۹ | ۰,۹ | ۳,۷ | ۸۹,۲ | تولید چرم و فرآورده‌های وابسته |
| ۰,۴ | ۸,۲ | ۵,۸ | ۱,۰ | ۰,۶ | ۱,۳ | ۸۲,۷ | تولید چوب و فرآورده‌های چوب و چوب‌پنبه |
| ۰,۲ | ۰,۱ | ۰,۳ | ۰,۳ | ۰,۶ | ۰,۸ | ۹۷,۷ | تولید کاغذ و فرآورده‌های کاغذی |
| ۲,۰ | ۰,۱ | ۰,۸ | ۰,۱ | ۱,۱ | ۳,۹ | ۹۱,۹ | چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده |
| ۰,۵ | ۰,۶ | ۱,۸ | ۴,۴ | ۶,۴ | ۲,۸ | ۸۳,۴ | تولید کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت |
| ۰,۷ | ۰,۱ | ۲۱,۳ | ۲,۸ | ۲,۵ | ۱,۵ | ۷۱,۱ | تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی |
| ۰,۴ | ۰,۲ | ۱۱,۵ | ۰,۶ | ۲,۶ | ۵,۱ | ۷۹,۶ | تولید داروها و فرآورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی |
| ۰,۴ | ۰,۰ | ۲,۰ | ۱,۰ | ۰,۶ | ۳,۰ | ۹۳,۰ | تولید فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی |
| ۰,۳ | ۰,۱ | ۱,۴ | ۲,۴ | ۰,۷ | ۱,۶ | ۹۳,۶ | تولید سایر فرآورده‌های معدنی غیر فلزی |
| ۰,۳ | ۰,۰ | ۲,۸ | ۰,۶ | ۰,۷ | ۲,۲ | ۹۳,۲ | تولید فلزات پایه |
| ۰,۵ | ۰,۲ | ۰,۷ | ۰,۴ | ۱,۳ | ۳,۳ | ۹۳,۷ | تولید محصولات فلزی ساخته شده، به جز ماشین‌آلات و تجهیزات |
| ۳,۱ | ۰,۳ | ۲۰,۸ | ۱,۲ | ۲,۰ | ۱۵,۳ | ۵۷,۳ | ساخت محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری |
| ۰,۶ | ۰,۲ | ۱,۲ | ۱,۲ | ۱,۴ | ۵,۵ | ۸۹,۹ | تولید تجهیزات برقی |
| ۰,۶ | ۰,۳ | ۰,۷ | ۱,۴ | ۱,۶ | ۵,۰ | ۹۰,۴ | تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر |
| ۰,۵ | ۰,۱ | ۳,۲ | ۳,۰ | ۱,۶ | ۱۱,۲ | ۸۰,۵ | تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر |
| ۰,۲ | ۰,۱ | ۲,۹ | ۱,۸ | ۱,۳ | ۲۶,۹ | ۶۶,۹ | تولید سایر تجهیزات حمل‌ونقل |
| ۰,۵ | ۰,۱ | ۲۵,۰ | ۲,۷ | ۱,۱ | ۲,۶ | ۶۸,۰ | تولید مبلمان |
| ۰,۶ | ۰,۱ | ۲,۷ | ۰,۵ | ۰,۸ | ۱۱,۹ | ۸۳,۴ | تولید سایر مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر |
| ۰,۳ | ۰,۱ | ۰,۷ | ۲۴,۹ | ۳,۵ | ۹,۵ | ۶۱,۲ | تعمیر و نصب ماشین‌آلات و تجهیزات |
| ۰,۵ | ۰,۲ | ۵,۰ | ۱,۵ | ۱,۲ | ۲,۷ | ۸۸,۸ | تولید صنعتی (ساخت) |

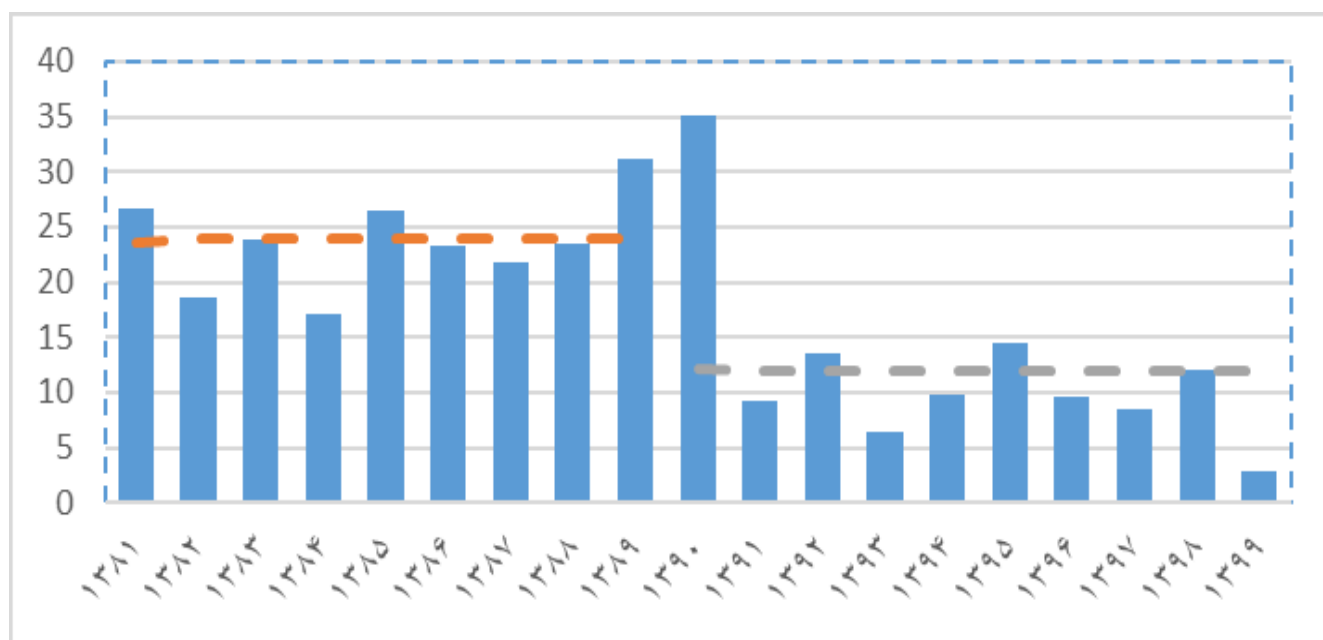
مأخذ: همان.



به منظور بررسی دقیق تر روند سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای و اجزای آن به تفکیک رشته فعالیت‌های صنعتی در جدول (۵) روند مذکور برای برخی از رشته فعالیت‌های صنعتی نشان داده شده است. اطلاعات ارائه شده تصویر قابل مقایسه‌ای از چگونگی تغییر سهم اجزای خرید اموال سرمایه‌ای خارجی (ماشین‌آلات، ابزار و وسایل کار بادوام، لوازم و تجهیزات اداری، وسایل نقلیه، ساختمان و تأسیسات، نرم‌افزارهای کامپیوتری و سخت‌افزارهای کامپیوتری) را نشان می‌دهد. بررسی اطلاعات این جدول نشان می‌دهد که متوسط سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای در رشته فعالیت‌های تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی، تولید سایر تجهیزات حمل‌ونقل، تولید فراورده‌های غذایی، تولید کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت، تولید فلزات پایه، تولید محصولات فلزی ساخته شده، به جز ماشین‌آلات و تجهیزات، تولید منسوجات،... در دهه ۱۳۹۰ کمتر از دهه ۱۳۸۰ بوده است. این روند نشان می‌دهد که این صنایع در پی شرایط اقتصادی دهه ۱۳۹۰ با چالش تأمین اقلام سرمایه‌ای روبه‌رو بوده‌اند و در مقایسه با صنایع دیگر، دسترسی مشکل‌تری (از لحاظ هزینه یا دسترسی به بازار) به بازار کالاهای سرمایه‌ای جهانی داشته‌اند.

جدول ۵. سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای در رشته فعالیت‌های منتخب در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۹ و اجزای آن^۱ (درصد)

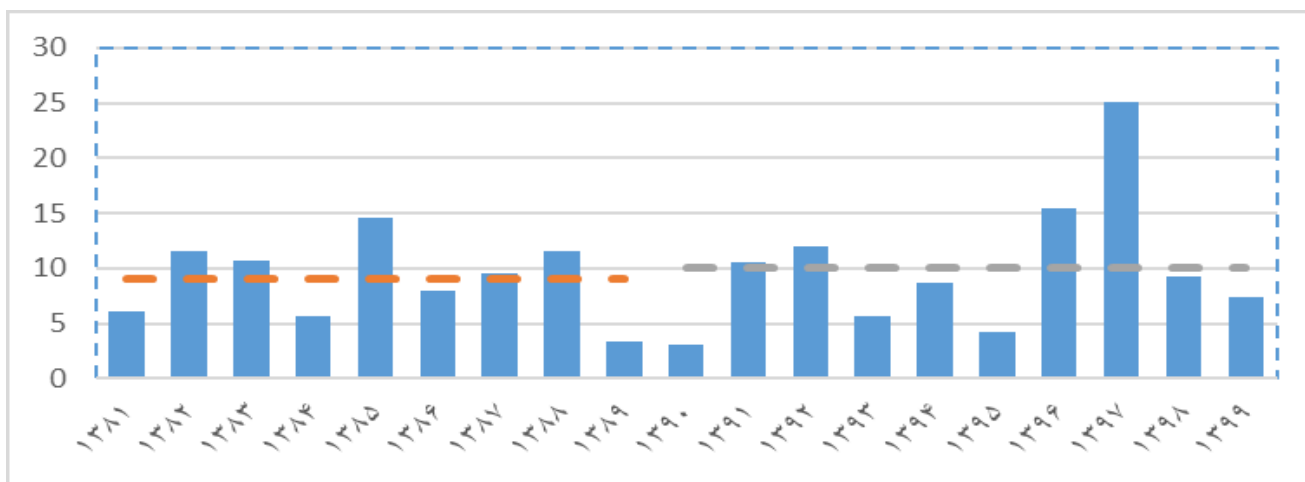
سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای - تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی



| سخت‌افزار | نرم‌افزار | ساختمان و تأسیسات | وسایل نقلیه | لوازم و تجهیزات اداری | ابزار و وسایل کار بادوام | ماشین‌آلات | |
|-----------|-----------|-------------------|-------------|-----------------------|--------------------------|------------|------|
| ۰,۰ | ۰,۳ | ۵۶,۴ | ۰,۸ | ۱,۹ | ۱,۱ | ۳۹,۴ | ۱۳۸۱ |
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۹۲,۷ | ۰,۱ | ۰,۴ | ۰,۴ | ۶,۵ | ۱۳۸۵ |
| ۰,۰ | ۰,۲ | ۹,۶ | ۲۴,۵ | ۳۰,۰ | ۰,۷ | ۳۵,۱ | ۱۳۹۰ |
| ۱,۲ | ۰,۲ | ۳,۳ | ۲,۲ | ۰,۷ | ۱,۰ | ۹۱,۴ | ۱۳۹۵ |
| ۳,۱ | ۰,۱ | ۵,۶ | ۴,۰ | ۱,۶ | ۷,۸ | ۷۸,۰ | ۱۳۹۹ |

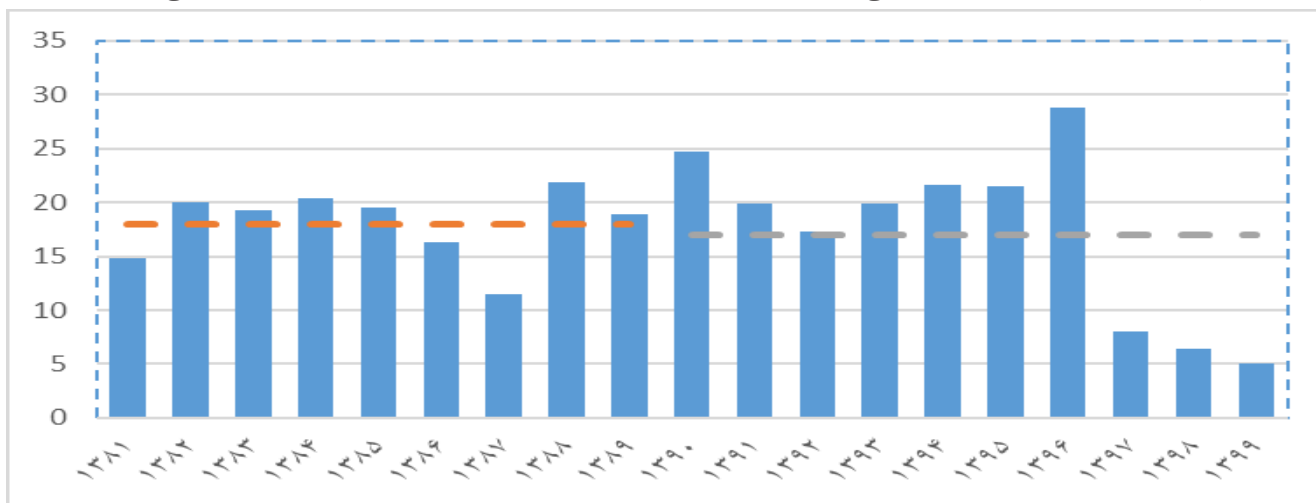
۱. محور عمودی نمودار بیانگر سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای بر مبنای درصد است. خط چین نارنجی بیانگر متوسط سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای در دهه ۱۳۸۰ است. خط چین خاکستری بیانگر متوسط سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای در دهه ۱۳۹۰ است.

سهام خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای - تولید داروها و فرآورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی



| سخت‌افزار | نرم‌افزار | ساختمان و تاسیسات | وسایل نقلیه | لوازم و تجهیزات اداری | ابزار و وسایل کار بادوام | ماشین‌آلات | کل |
|-----------|-----------|-------------------|-------------|-----------------------|--------------------------|------------|------|
| ۰,۰ | ۰,۵ | ۰,۰ | ۰,۰ | ۱۱,۲ | ۶,۰ | ۸۲,۳ | ۱۳۸۱ |
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۰,۲ | ۰,۱ | ۱,۹ | ۷,۳ | ۹۰,۵ | ۱۳۸۵ |
| ۰,۰ | ۰,۶ | ۱۲,۱ | ۰,۹ | ۹,۹ | ۷,۳ | ۶۹,۳ | ۱۳۹۰ |
| ۳,۳ | ۰,۳ | ۶,۳ | ۵,۷ | ۸,۳ | ۵,۶ | ۷۰,۶ | ۱۳۹۵ |
| ۰,۱ | ۰,۱ | ۴۹,۹ | ۰,۶ | ۰,۹ | ۱۱,۹ | ۳۶,۵ | ۱۳۹۹ |

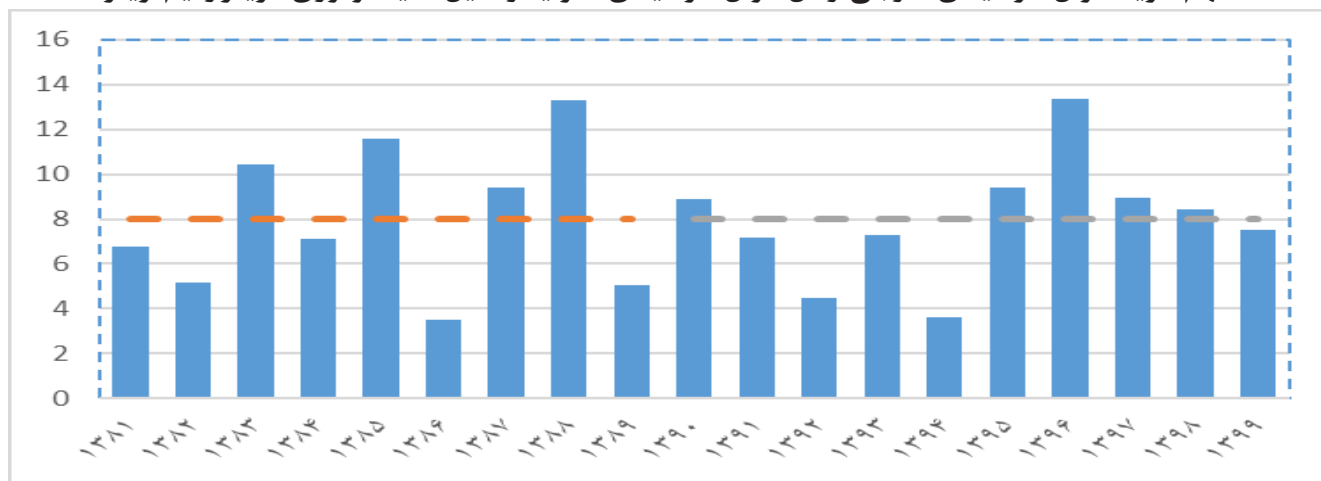
سهام خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای - ساخت محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری



| سخت‌افزار | نرم‌افزار | ساختمان و تاسیسات | وسایل نقلیه | لوازم و تجهیزات اداری | ابزار و وسایل کار بادوام | ماشین‌آلات | کل |
|-----------|-----------|-------------------|-------------|-----------------------|--------------------------|------------|------|
| ۰,۰ | ۰,۷ | ۱۹,۱ | ۳,۸ | ۴,۱ | ۴,۵ | ۶۷,۸ | ۱۳۸۱ |
| ۰,۰ | ۰,۳ | ۳۴,۷ | ۱,۶ | ۱,۶ | ۳,۲ | ۵۸,۵ | ۱۳۸۵ |
| ۰,۰ | ۰,۲ | ۲۵,۸ | ۱,۲ | ۱,۷ | ۲,۰ | ۶۹,۲ | ۱۳۹۰ |
| ۱۲,۳ | ۰,۱ | ۰,۱ | ۰,۰ | ۱,۵ | ۱,۴ | ۸۴,۶ | ۱۳۹۵ |
| ۴,۹ | ۰,۸ | ۰,۱ | ۰,۵ | ۳,۹ | ۴,۲ | ۸۵,۶ | ۱۳۹۹ |

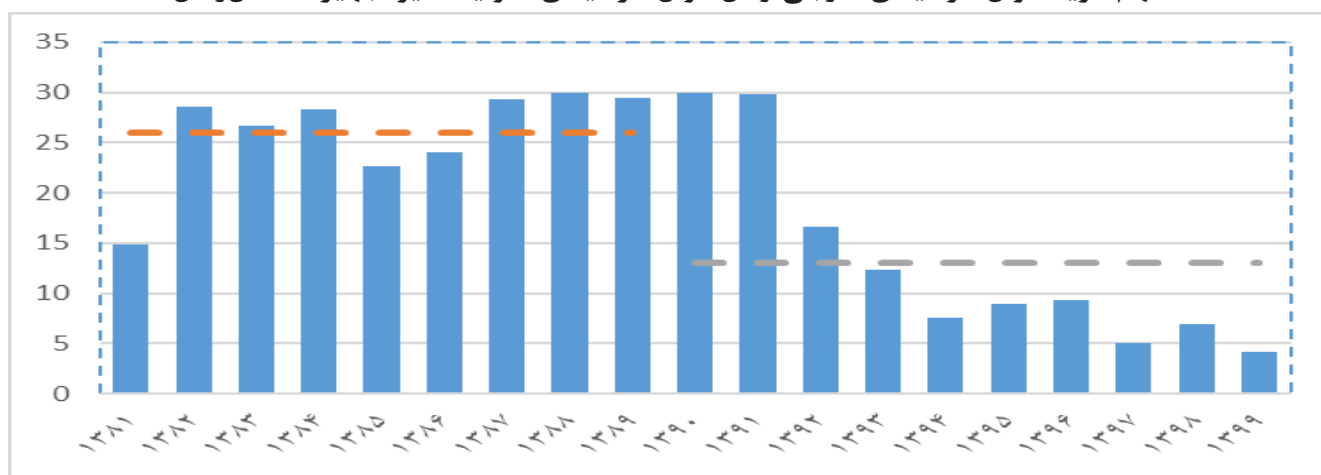


سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای - تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر



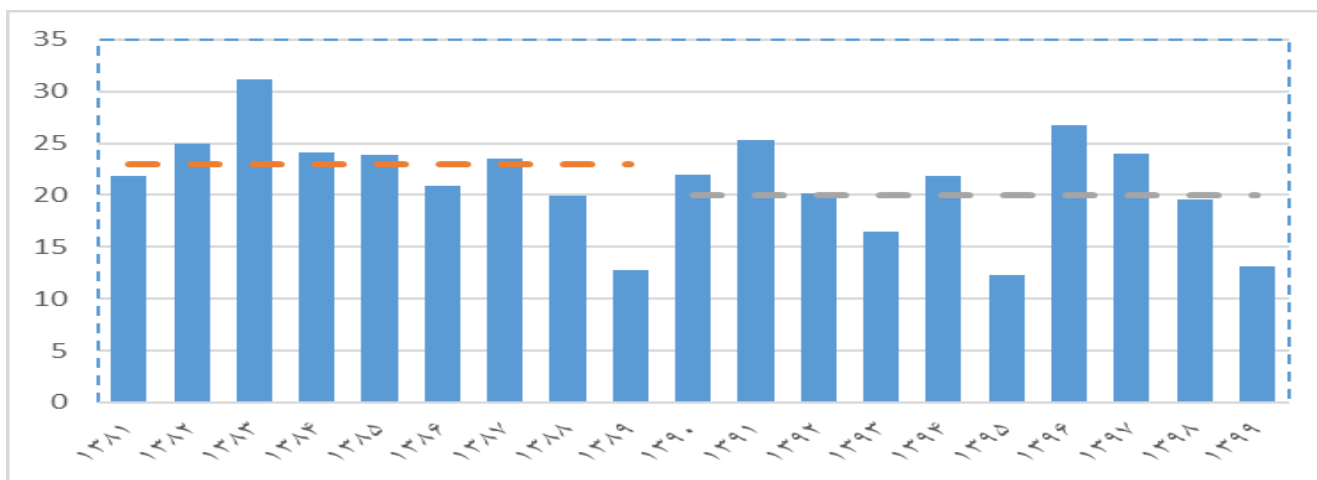
| سخت‌افزار | نرم‌افزار | ساختمان و تأسیسات | وسایل نقلیه | لوازم و تجهیزات اداری | ابزار و وسایل کار بادوام | ماشین‌آلات | سال |
|-----------|-----------|-------------------|-------------|-----------------------|--------------------------|------------|------|
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۳,۱ | ۱,۴ | ۱,۵ | ۸,۲ | ۸۵,۸ | ۱۳۸۱ |
| ۰,۰ | ۰,۱ | ۰,۶ | ۹,۳ | ۱,۶ | ۱۹,۱ | ۶۹,۳ | ۱۳۸۵ |
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۰,۶ | ۵,۹ | ۳,۲ | ۵,۲ | ۸۵,۱ | ۱۳۹۰ |
| ۰,۳ | ۰,۰ | ۲۵,۴ | ۳,۲ | ۱,۴ | ۸,۰ | ۶۱,۶ | ۱۳۹۵ |
| ۰,۴ | ۰,۰ | ۰,۶ | ۰,۵ | ۰,۳ | ۹,۳ | ۸۸,۹ | ۱۳۹۹ |

سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای - تولید سایر تجهیزات حمل و نقل



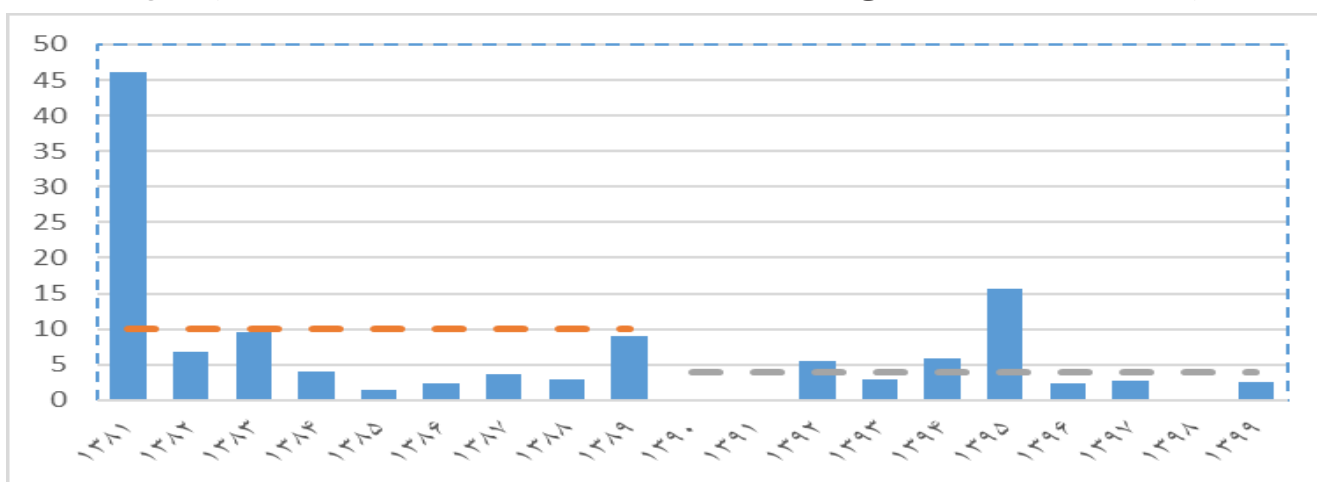
| سخت‌افزار | نرم‌افزار | ساختمان و تأسیسات | وسایل نقلیه | لوازم و تجهیزات اداری | ابزار و وسایل کار بادوام | ماشین‌آلات | سال |
|-----------|-----------|-------------------|-------------|-----------------------|--------------------------|------------|------|
| ۰,۰ | ۱,۸ | ۰,۲ | ۲,۹ | ۲۰,۵ | ۶,۳ | ۶۸,۴ | ۱۳۸۱ |
| ۰,۰ | ۰,۱ | ۰,۱ | ۰,۸ | ۰,۹ | ۳۳,۵ | ۶۴,۶ | ۱۳۸۵ |
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۱۳,۱ | ۰,۶ | ۱,۴ | ۲۰,۳ | ۶۴,۵ | ۱۳۹۰ |
| ۰,۴ | ۰,۰ | ۲,۰ | ۰,۵ | ۲,۹ | ۱۰,۷ | ۸۳,۵ | ۱۳۹۵ |
| ۱,۱ | ۰,۰ | ۰,۰ | ۱,۹ | ۲,۳ | ۳,۳ | ۹۱,۴ | ۱۳۹۹ |

سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای - تولید فراورده‌های غذایی



| سخت افزار | نرم افزار | ساختمان و تأسیسات | وسایل نقلیه | لوازم و تجهیزات اداری | ابزار و وسایل کار بادوام | ماشین‌آلات | |
|-----------|-----------|----------------------|-------------|--------------------------|-----------------------------|------------|------|
| ۰,۰ | ۰,۲ | ۰,۲ | ۱,۳ | ۱,۳ | ۲,۰ | ۹۵,۰ | ۱۳۸۱ |
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۱,۳ | ۱,۴ | ۱,۰ | ۲,۸ | ۹۳,۵ | ۱۳۸۵ |
| ۰,۰ | ۱,۳ | ۶,۴ | ۱,۰ | ۲,۱ | ۱,۳ | ۸۸,۱ | ۱۳۹۰ |
| ۰,۰ | ۰,۱ | ۵,۷ | ۵,۸ | ۳,۰ | ۱,۱ | ۸۴,۳ | ۱۳۹۵ |
| ۰,۶ | ۰,۲ | ۳,۱ | ۲,۸ | ۱,۳ | ۳,۸ | ۸۸,۳ | ۱۳۹۹ |

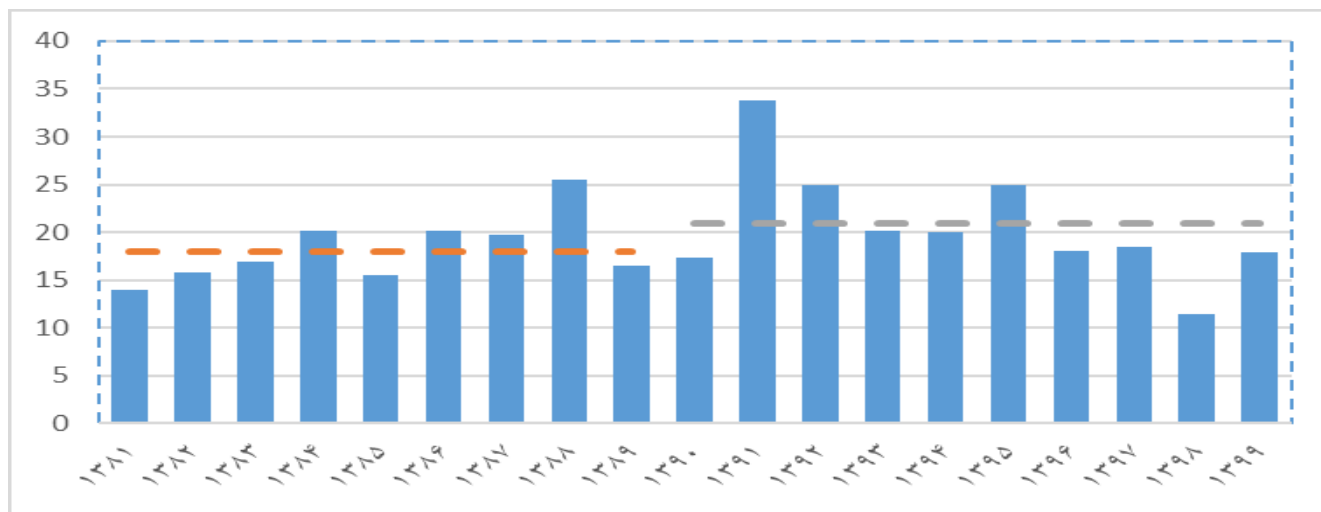
سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای - تولید کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت



| سخت افزار | نرم افزار | ساختمان و تأسیسات | وسایل نقلیه | لوازم و تجهیزات اداری | ابزار و وسایل کار بادوام | ماشین‌آلات | |
|-----------|-----------|----------------------|-------------|--------------------------|-----------------------------|------------|------|
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۰,۰ | ۰,۲ | ۲,۰ | ۰,۱ | ۹۷,۷ | ۱۳۸۱ |
| ۰,۰ | ۰,۱ | ۰,۰ | ۰,۷ | ۱۵,۴ | ۲۴,۹ | ۵۸,۸ | ۱۳۸۵ |
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۰,۰ | ۰,۷ | ۱۷,۰ | ۳,۷ | ۷۸,۶ | ۱۳۹۰ |
| ۰,۶ | ۳,۸ | ۰,۰ | ۴,۷ | ۱,۵ | ۱,۰ | ۸۸,۳ | ۱۳۹۵ |
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۴,۹ | ۰,۵ | ۰,۱ | ۲,۴ | ۹۲,۰ | ۱۳۹۹ |

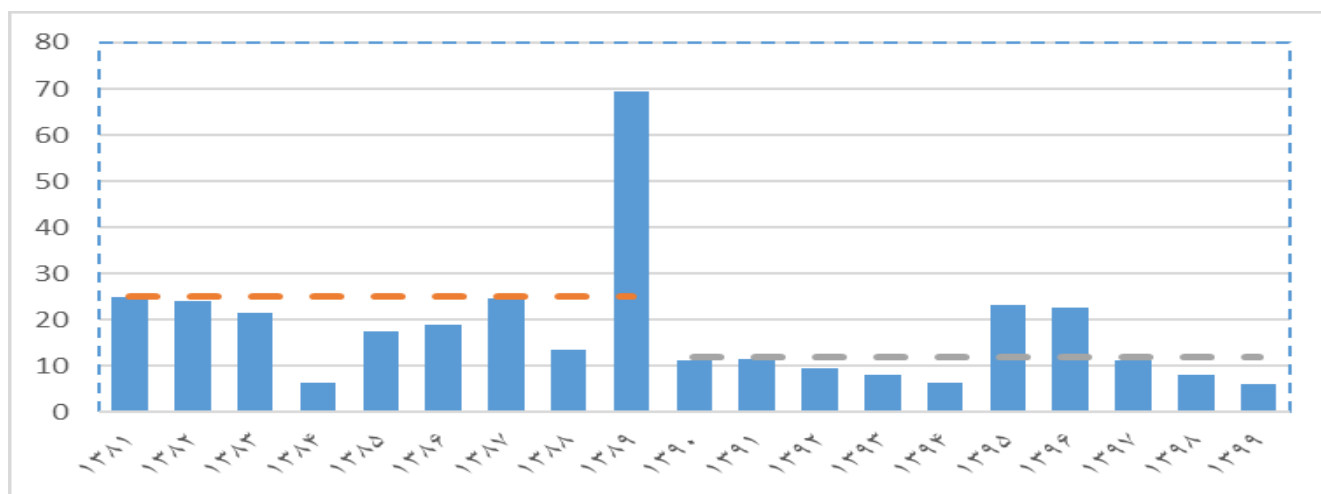


سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای - تولید سایر فراورده‌های معدنی غیر فلزی



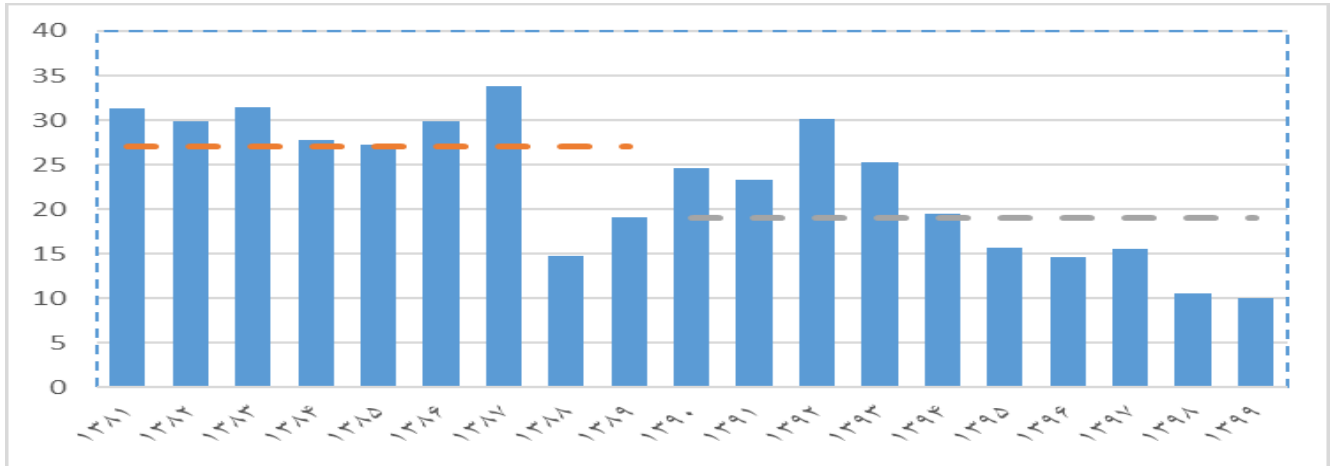
| سخت‌افزار | نرم‌افزار | ساختمان و تأسیسات | وسایل نقلیه | لوازم و تجهیزات اداری | ابزار و وسایل کار بادوام | ماشین‌آلات | |
|-----------|-----------|-------------------|-------------|-----------------------|--------------------------|------------|------|
| ۰,۰ | ۰,۱ | ۱,۵ | ۳,۵ | ۰,۸ | ۲,۱ | ۹۲,۰ | ۱۳۸۱ |
| ۰,۰ | ۰,۱ | ۰,۷ | ۲,۳ | ۰,۹ | ۲,۲ | ۹۳,۸ | ۱۳۸۵ |
| ۰,۰ | ۰,۱ | ۰,۵ | ۴,۱ | ۱,۱ | ۱,۲ | ۹۳,۰ | ۱۳۹۰ |
| ۰,۲ | ۰,۱ | ۰,۷ | ۰,۶ | ۰,۵ | ۱,۰ | ۹۶,۸ | ۱۳۹۵ |
| ۰,۴ | ۰,۰ | ۰,۴ | ۶,۰ | ۰,۴ | ۱,۶ | ۹۱,۱ | ۱۳۹۹ |

سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای - تولید فلزات پایه



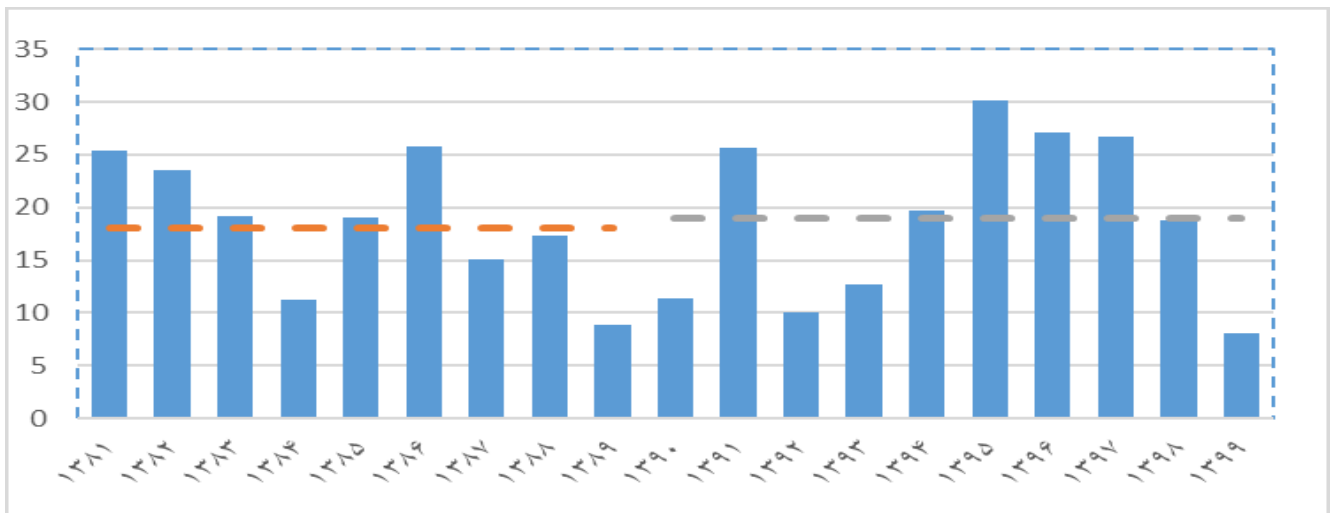
| سخت‌افزار | نرم‌افزار | ساختمان و تأسیسات | وسایل نقلیه | لوازم و تجهیزات اداری | ابزار و وسایل کار بادوام | ماشین‌آلات | |
|-----------|-----------|-------------------|-------------|-----------------------|--------------------------|------------|------|
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۰,۲ | ۲,۳ | ۳,۳ | ۵,۲ | ۸۹,۰ | ۱۳۸۱ |
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۰,۱ | ۱,۵ | ۰,۶ | ۱,۴ | ۹۶,۴ | ۱۳۸۵ |
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۰,۲ | ۰,۷ | ۰,۶ | ۲,۶ | ۹۶,۰ | ۱۳۹۰ |
| ۱,۰ | ۰,۰ | ۰,۵ | ۰,۶ | ۰,۵ | ۱,۵ | ۹۵,۹ | ۱۳۹۵ |
| ۱,۲ | ۰,۱ | ۱۸,۱ | ۱,۵ | ۰,۷ | ۶,۵ | ۷۲,۰ | ۱۳۹۹ |

سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای - تولید محصولات فلزی ساخته شده، به جز ماشین آلات و تجهیزات



| سخت افزار | نرم افزار | ساختمان و تأسیسات | وسایل نقلیه | لوازم و تجهیزات اداری | ابزار و وسایل کار بادوام | ماشین آلات | |
|-----------|-----------|-------------------|-------------|-----------------------|--------------------------|------------|------|
| ۰,۰ | ۰,۱ | ۰,۱ | ۰,۷ | ۰,۸ | ۲,۵ | ۹۵,۸ | ۱۳۸۱ |
| ۰,۰ | ۰,۱ | ۰,۵ | ۰,۴ | ۰,۵ | ۱,۱ | ۹۷,۳ | ۱۳۸۵ |
| ۰,۰ | ۰,۱ | ۱,۰ | ۰,۰ | ۱,۳ | ۵,۹ | ۹۱,۷ | ۱۳۹۰ |
| ۰,۹ | ۰,۱ | ۱,۸ | ۰,۴ | ۰,۸ | ۶,۱ | ۹۰,۰ | ۱۳۹۵ |
| ۱,۴ | ۰,۸ | ۱,۲ | ۰,۰ | ۵,۴ | ۶,۵ | ۸۴,۶ | ۱۳۹۹ |

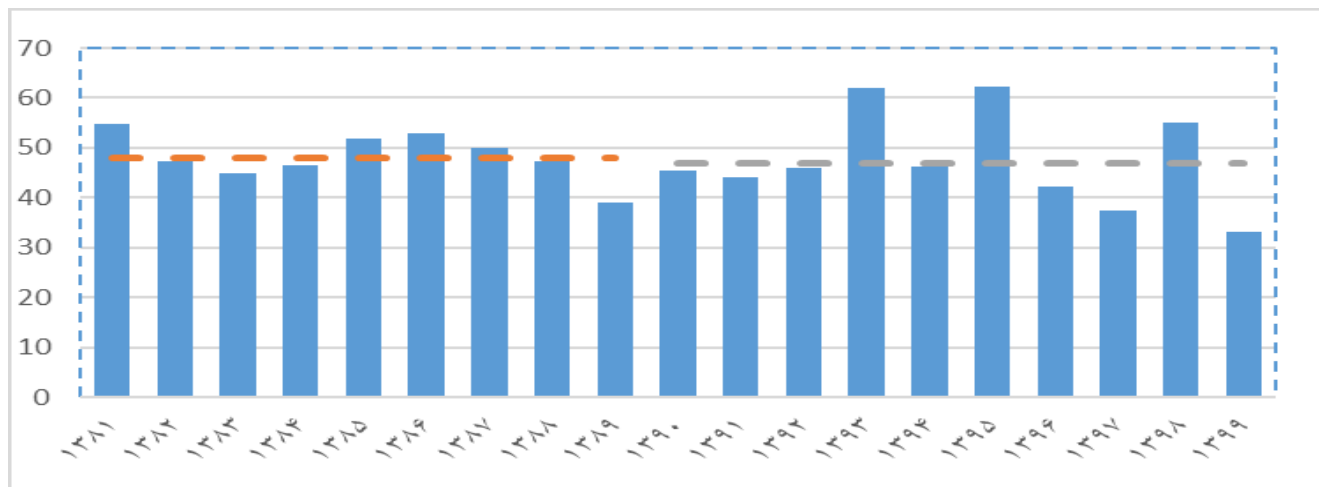
سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای - تولید تجهیزات برقی



| سخت افزار | نرم افزار | ساختمان و تأسیسات | وسایل نقلیه | لوازم و تجهیزات اداری | ابزار و وسایل کار بادوام | ماشین آلات | |
|-----------|-----------|-------------------|-------------|-----------------------|--------------------------|------------|------|
| ۰,۰ | ۰,۱ | ۱,۳ | ۰,۴ | ۱,۶ | ۱۳,۶ | ۸۳,۰ | ۱۳۸۱ |
| ۰,۰ | ۰,۱ | ۰,۴ | ۰,۱ | ۱,۲ | ۴,۱ | ۹۴,۱ | ۱۳۸۵ |
| ۰,۰ | ۰,۱ | ۴,۰ | ۱,۱ | ۳,۱ | ۱۸,۰ | ۷۳,۷ | ۱۳۹۰ |
| ۰,۵ | ۰,۳ | ۱,۲ | ۱,۲ | ۰,۹ | ۲,۰ | ۹۳,۹ | ۱۳۹۵ |
| ۱,۱ | ۰,۱ | ۰,۰ | ۰,۸ | ۲,۰ | ۶,۲ | ۸۹,۹ | ۱۳۹۹ |



سهم خرید اموال سرمایه‌ای خارجی از کل اموال سرمایه‌ای - تولید منسوجات



| سخت‌افزار | نرم‌افزار | ساختمان و تاسیسات | وسایل نقلیه | لوازم و تجهیزات اداری | ابزار و وسایل کار بادوام | ماشین‌آلات | |
|-----------|-----------|-------------------|-------------|-----------------------|--------------------------|------------|------|
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۰,۷ | ۰,۴ | ۰,۲ | ۰,۶ | ۹۸,۱ | ۱۳۸۱ |
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۱,۱ | ۰,۴ | ۰,۲ | ۱,۲ | ۹۷,۲ | ۱۳۸۵ |
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۰,۸ | ۰,۶ | ۰,۳ | ۱,۰ | ۹۷,۲ | ۱۳۹۰ |
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۰,۲ | ۰,۱ | ۰,۰ | ۰,۲ | ۹۹,۳ | ۱۳۹۵ |
| ۰,۰ | ۰,۰ | ۱,۰ | ۰,۱ | ۰,۱ | ۰,۴ | ۹۸,۳ | ۱۳۹۹ |

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری



این پژوهش به بررسی و ارزیابی ساختار صنعت از منظر وابستگی واردات در کوتاه‌مدت و بلندمدت در صنایع کارخانه‌ای ایران با استفاده از تحلیل جدول داده-ستانده و شاخص‌های آماری پرداخته است. میزان وابستگی به واردات و نوع وابستگی به واردات در صنایع مختلف متفاوت است. وابستگی کوتاه‌مدت مربوط به آن دسته از صنایعی که سهم بالاتری از نهاده‌های واسطه‌ای و مواد اولیه مورد نیاز خود را از طریق واردات تأمین می‌کنند و در مقابل آن دسته از صنایعی که عمده وابستگی آنها به واردات تجهیزات، تأسیسات، ماشین‌آلات و فناوری است در میان‌مدت و بلندمدت به واردات حساس هستند. از این رو، بررسی و تمایز بین این دو وضعیت و شناخت زیربخش‌های صنعت از منظر وابستگی کوتاه‌مدت و بلندمدت برای سیاست‌گذاری اقتصادی و صنعتی اهمیت زیادی دارد.

همواره در طی دهه‌های مختلف بخش بزرگی از واردات کشور را مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و در رتبه بعدی کالاهای سرمایه‌ای تشکیل داده است. بررسی‌های این گزارش نشان می‌دهد که در دهه‌های گذشته سهم عمده واردات را مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای (۶۳ درصد) و کالاهای سرمایه‌ای (۲۲ درصد) تشکیل می‌دهند، از این رو می‌توان نتیجه گرفت که تولید در اقتصاد ایران به‌طور عام و تولید صنعتی به‌صورت خاص وابستگی زیادی به این نوع از واردات دارد. همچنین سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران، به‌ویژه سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات ارتباط بسیار بالایی با واردات، به‌ویژه واردات کالاهای سرمایه‌ای دارد. این نکات نشان می‌دهند که در مجموع اقتصاد ایران هم در تولید و هم در سرمایه‌گذاری، وابستگی قابل توجهی به واردات نهاده‌های تولید و نیز کالاهای سرمایه‌ای دارد و لذا اختلال در واردات می‌تواند تولید را هم در کوتاه‌مدت و هم بلندمدت مختل کند.

بررسی‌های این گزارش نشان می‌دهد که وابستگی بخش صنعت به واردات از متوسط اقتصاد ایران بیشتر است. براساس اطلاعات جدول داده-ستانده و محاسبات گزارش، متوسط نسبت واردات واسطه‌ای به ارزش تولیدات در کل اقتصاد ایران ۵/۸ درصد و متوسط مذکور برای بخش صنعت ۱۱/۸ درصد است. این مسئله نشان می‌دهد که بخش صنعت در ایران وابستگی بیشتری به واردات برای تولید دارد.

براساس یافته‌های این گزارش، در بخش صنعت نیز میزان وابستگی تولید به واردات واسطه‌ای در میان بخش‌های مختلف صنعتی یکسان

نیست. به طور مشخص، بالاترین میزان وابستگی به واردات، مربوط به فعالیت «تولید روغن ها و چربی های گیاهی و حیوانی» (بیش از ۳۹ درصد)، و پس از آن «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر» (بیش از ۲۳ درصد) و «تولید سایر مصنوعات» (بیش از ۲۰ درصد) است. در رتبه های بعدی «تولید قالی و قالیچه» (نزدیک به ۱۹ درصد)، «تولید سایر فلزات اساسی و ریخته گری» (نزدیک به ۱۸ درصد) و «تولید فراورده های لاستیکی و پلاستیکی» (بیش از ۱۷ درصد) قرار می گیرند. در مقابل، کمترین میزان وابستگی به واردات واسطه ای برای تولید در «تولید فراورده های نفتی (پالایشگاه ها)» (۱/۲ درصد)، «تولید مواد شیمیایی و فراورده های شیمیایی» (۳/۹ درصد)، «تولید محصولات اساسی مس و آلومینیوم» (۴/۸ درصد) و «تولید کانی های غیر فلزی طبقه بندی نشده در جای دیگر» (۴/۹ درصد) قابل مشاهده است. از مشاهده و مقایسه میان این دو گروه می توان به این نتیجه کلی رسید که عمده صنایعی که در بالادست زنجیره ارزش قرار دارند و تولید آنها نیازمند دسترسی به مواد معدنی، نفتی یا شیمیایی اولیه است، با توجه به ذخایر غنی معدنی و نفتی کشور، به نسبت ارزش تولیدات خود وابستگی بسیار پایینی به واردات واسطه ای دارند. در مقابل، صنایعی که در پایین دست زنجیره ارزش قرار دارند و به مصرف کننده نهایی نزدیک تر هستند، مانند صنایع تولید روغن، صنایع خودرو و صنایع مشابه آنها وابستگی بیشتری به واردات محصولات واسطه ای دارند.

بررسی سهم ارزش مواد اولیه خارجی از ارزش افزوده محصولات صنعتی در کل دوره مذکور حاکی از آن است به طور متوسط این سهم برای دوره زمانی سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۹ برابر ۲۷ درصد بوده است. این بدان معناست که برای تولید هر ۱۰۰ واحد ارزش افزوده نیاز به مصرف ۲۷ واحد از نهاده های خام خارجی وجود داشته است. روند این نسبت نیز نشان می دهد که در سال هایی که شوک های ارزی، تحریم های اقتصادی و بیماری کرونا وجود داشته، این نسبت کاهش یافته که نشانگر دسترسی کمتر به مواد اولیه وارداتی است. در واقع بررسی روند تحولات شاخص های مختلف وابستگی به واردات در این گزارش نشان داد که در سال هایی که شرایط سخت تری بر اقتصاد ایران حاکم بوده، در دسترسی صنایع به مواد اولیه و کالاهای واسطه ای سخت تر بوده است. از این رو می توان گفت که یکی از دلایل کاهش رشد اقتصادی و رشد صنعتی در سال های مذکور، دسترسی کمتر به نهاده های مذکور برای تولید بوده است.

شواهد نشان می دهد که قسمت اعظم واردات اموال سرمایه ای خارجی مورد نیاز صنایع که وابستگی بلندمدت آنها به واردات را نشان می دهد و یکی از اصلی ترین مسیرهای انتقال فناوری است، مربوط به به ماشین آلات خارجی است. این موضوع نشان می دهد که صنعت در ایران در بلندمدت برای تداوم فعالیت و رشد خود نیاز جدی به ماشین آلات خارجی به عنوان یکی از مسیرهای انتقال فناوری جدید دارد که این موضوع باید در سیاستگذاری های صنعتی مدنظر قرار گیرد.

باید توجه کرد که وابستگی به واردات برای صنایع مختلف لزوماً به معنای یک نکته منفی نیست، بلکه در جات مختلف این وابستگی بازتاب دهنده ساختار متفاوت صنایع از یک سو و نیز گستردگی زنجیره ارزش در داخل یا تأمین نیازهای خاص صنایع به واردات مواد یا قطعات خاص است و این ساختار صرفاً نشان می دهد که حساسیت صنایع مختلف به شوک های وارده از سمت بازار جهانی، بازار ارز یا هر نوع اختلالی در واردات متفاوت است.

در واقع وابستگی به واردات می تواند از چند جنبه مورد بررسی قرار گیرد. از یک سو، واردات، به ویژه واردات کالاهای سرمایه ای می تواند مسیر انتقال فناوری برتر از بازار جهانی باشد که سبب افزایش بهره وری تولیدات داخلی و ارتقای کیفیت محصولات می شود، و از سوی دیگر، نوسانات ارزی و اختلال در واردات می تواند ریسک بالاتری برای صنایعی محسوب شود که وابستگی بیشتری به واردات، به ویژه واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه ای دارند که در جریان تولید روزمره خود به آن وابسته هستند. علاوه بر آن، وابستگی به واردات، به ویژه در زمینه کالاهای واسطه ای و مواد اولیه نشان می دهد که زنجیره ارزش یک محصول در بالادست خود تا چه میزان توسعه یافته است که البته دلایل آن می تواند طیفی از دلایل فنی، دسترسی به منابع معدنی خاص، و عدم سرمایه گذاری کافی در بالادست یک صنعت و وجود حلقه های مفقوده مختلف باشد.

در نهایت باید توجه کرد که اقتصاد ایران توان فنی لازم برای تکمیل همه زنجیره های ارزش در صنعت را ندارد و از سوی دیگر، از نظر اقتصادی نیز این امر منطقی نیست، چراکه هزینه تمام شده بسیاری از صنایع در این صورت افزایش بسیار زیادی می یابد، منابع طبیعی و معدنی و حتی انسانی لازم برای این کار به اندازه کافی نیست و سرمایه گذاری لازم برای تکمیل آن نیز بسیار بیشتر از توان اقتصاد ایران خواهد بود. نکته دیگر این است که این نوع واردات، به ویژه اگر نهاده های سرمایه ای و فناوری را شامل شوند، خود یکی از مسیرهای سرریز دانش به اقتصاد ایران هستند و از این رو نباید آنها را محدود کرد. امروزه همگام با افزایش ادغام تجاری کشورها و گسترش پراکندگی بین المللی تولید، زنجیره های جهانی ارزش ظرفیت های قابل توجهی از جمله بهبود جریان ورود دانش، روش ها و تکنولوژی های تولید پیشرفته تر، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه داشته است.



- [1]. Burange LG. Import-Intensity in the Registered Manufacturing Sectors of India. *The Indian Economic Journal*, 2001;49:42–52.
- [۲]. نجارزاده، رضا. در گاهی، حسن. عاقلی، لطفعلی. بیابانی خامنه، کاظم. اندازه‌گیری شاخص‌های وضعیت اقتصاد ایران در زنجیره‌های جهانی ارزش و مقایسه با کشورهای منتخب. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. ۱۳۹۹؛ ۲۸(۹۴)، ۱۰۱–۱۲۹.
- [۳]. رضائی، مهدی. یعقوبی منظری، پرینسا. وضعیت تجارت کالایی ایران و ترکیه از منظر زنجیره ارزش جهانی. بررسی‌های بازرگانی. ۱۳۹۵؛ ۱۴(۸۱) ۳۱–۴۲.
- [۴]. بیابانی خامنه، کاظم. نجارزاده، رضا. در گاهی، حسن، عاقلی، لطفعلی. زنجیره‌های جهانی ارزش و بهبود عملکرد زیست‌محیطی در کشورهای در حال توسعه. پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار). ۱۴۰۱؛ ۲۲(۱) ۳۲–۱.
- [5]. Ünal E. Import Dependency on Intermediate Goods in Turkey: an Input-Output Analysis. *Verimlilik Dergisi*, Yıl. 2020;1:203–221.
- [6]. Guo, J. & Planting Ma. Using Input-Output Analysis to Measure U.S. Economic Structural Change Over a 24 Year Period. US Department of Commerce: Bureau of Economic Analysis. 2000.
- [7]. Mikulic D., Lovrinevic Z. The Import Content of Croatian economic Sectors and final demand. *Economic Research-Ekonomska Istraživanja*. 2018;31:2003–2023.
- [۸]. مهاجری، پرینسا. بانویی، علی اصغر. فراست، زهره. مؤمنی، لیلا. سنجش وابستگی واردات بخش‌های اقتصادی در ایران از منظر مبدأ، مقصد و سیاستی در دوره ۱۳۹۰–۱۳۸۰. فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی. ۱۳۹۷؛ ۲۲(۸۷) ۳۴–۱.

گزیده سیاستی

بررسی ساختار صنعت از منظر وابستگی واردات نشان می‌دهد علاوه بر وابستگی بیشتر بخش صنعت به واردات از متوسط اقتصاد ایران، زنجیره ارزش منابع نیز حلقه‌های تکمیل نشده قابل توجهی دارد.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc@majles.ir